پنجشنبه ۱۸ دلو ۱۳٦٤
Feb. 6. 1986
سال ششم شماره ۱۳٤
شماره مسلسل ۱۳٤۸
سال تاسیس ۱۳۵۹



حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

ختم مرحلهٔ اول انتخابات

مرحله اول انتخابات ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان پایان یافت. کمیسیون عالی تدارک وتدویر انتخابات ارگانهای محلی قدرت و ادارهٔ دولتی ج.د.ا خاطر نشان ساخته که کار کمیته های حزبی محلی و سازمانهای اجتماعی در انجام موفقانه مرحله اول انتخابات، عالی وبرجسته بوده است. انجام موفقانه انتخابات در حوزه‌های انتخاباتی، به‌استناد پایان موفقانه آن گواه این حقیقت‌است، که ارگانهای مسوول برای سازماندهی امور انتخابات خصوصیات محلات، سنن وعنعنات پسندیده مردم‌مارا ارج گذارده وبه آن‌اساس درانجام موفقانه انتخابات تمام وسایل وامکانات لازم رابه‌کار گرفته وتسهیلات رافراهم کرده‌اند. سهمگیری فعال مردم مادر حوزه های‌انتخاباتی نیز گواه این امر است که مردم، در مبارزه‌برای‌دموکراتیزه ساختن حیات اقتصادی ـ اجتماعی کشو ردوش بدوش حزب ودولت انقلابی خویش حرکت نموده‌وبه‌خواست های‌حزب‌ودولت‌وبه نیاز های مرحله کنونی‌انقلاب‌که نیازهای خود مردم است پاسخ مثبت و لازم ارائه‌کرده‌ومیکنند. انجام موفقانه‌انتخابات، وطرح وتصامیم حزب ودولت برای پیشبرد موفقانه آن به صراحت نشانداد:

۱ ـ «انتخابات، دموکراسی ساختن بیشتر جامعه ما وانقلاب ماست».

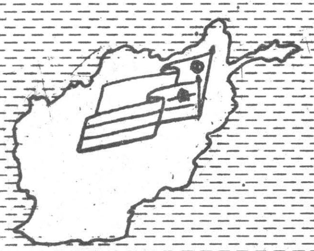
۲ ـ «انتخابات، نمونه‌محکم ترین ارتباط حزب باتوده هاست».

۳ ـ «انتخابات، راه‌توسعه پایه های اجتماعی انقلاب است، انتخابات، مظهر قدرت‌نیرو وقابلیت حیات انقلاب است».

این گفته ها حقیقت مسلم‌اند، مردم در کار انتخابات فعالانه سهم گرفتند. ونمایندگان خودرا برای جرگه ها (شوراهای) محلی آزادانه ودر فضای دموکراتیک انتخاب نمودند. تبلیغات دشمن، تبلیغات ضد انقلاب نتوانست کوچکترین ترتیب اثری بگذارددر این یکی دیگر از عرصه‌های اساسی مبارزه وپیکار عادلانه‌خلق‌ما، مانند سایر عرصه ها، باز هم موفقیت های حزب‌ودولت چشمگیر ودارای‌مدارج عالی بوده است. انتخابات از این جهت نیز دارای اهمیت سیاسی عظیم در روند مبارزه‌خلق ماعلیه ضد انقلاب، ارتجاع وامپریالیزم است. جریان انتخابات، پراتیک انتخابات خود گواه دقیق‌دموکراسی درعمل شد. درشهر کابل و ولایات کابل، ننگرهار، بدخشان، بلخ، کندز، نیمروز، هلمند وجوزجان، مردم ماشاهداین جریان بودند. چون مستقیماً در کار انتخابات‌سهم داشتند، ونماینده گان خودرا انتخاب کردند. مشخص‌تر ببینیم: در گرد هم آیی‌های انتخاباتی نود فیصد افراد واجد شرایط رای‌دهی شرکت نموده و(٤۱۲۰) تن نماینده‌رادر (۳۸۱) جرگه (شورا) انتخاب نمودند. درین میان‌اگر انتخاب کاندیدان، به‌اثر رای مردم یک جانب ویک‌طرفه‌مساله برای تثبیت‌گفته‌هادر باره عمق و حقیقت این‌دموکراسی درکار انتخابات‌بود

نیز رد برخی کاندیدان از جانب خود مردم از جانب رای دهنده گان، بوضوح نمایاند درکارانتخابات هیچ کس، هیچ ارگان وهیچ‌مرجع ارادهٔ خودرا بر خلاف رای مردم دران دخیل ننموده است. به‌این‌ترتیب جریان‌انتخابات‌نمایندگان مردم‌نه‌تنهاراهی‌برای توسعه پایه های اجتماعی انقلاب بود بلکه از جهت‌سیاسی نیز نیات واقعی حزب ماو دولت مارا برای تحقق‌آزادی واصول دموکراسی به طور آشکار در معرض قضاوت‌قرار داد. ازهمین روی بود که تبلیغات دشمن نتوانست‌جایی رابگیرد، ومردم با شور وشعف وصف ناپذیر در کار‌انتخابات نماینده‌گان خود سهم گرفتند. بدین ترتیب، ودراین‌فضا مرحله اول انتخابات پایان یافت، اما کار انتخابات‌مرحله به‌مرحله انجام می‌یابد و تحقق حاصل میکند. بی گمان آنطوریکه رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ورئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان به مناسبت آغاز انتخابات ارگان های محلی گفت: «استفاده درست وعادلانه از این حق دموکراتیک مردم مارا مرحله به مرحله‌درجهت تحقق دموکراسی واقعی یعنی دولت باحاکمیت واقعی خلق، میکشاند».

توسعه پایگاه اجتماعی انقلاب: گامهای عملی



گفت و شنود با اعضای جدید شورای انقلابی ج.د.ا

دکتور اسد الله حبیب نویسنده شناخته شده کشور و رئیس پوهنتون کابل:

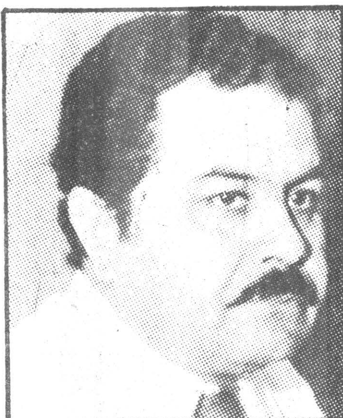
دکتور اسد الله حبیب از جمله نویسنده‌گان شناخته شده کشور ماست که آثار زیادی از وی در دست است که در میان مردم ازشهرت خوبی برخوردار است او سالهای زیادی بر علاوه نوشتن آثار گرانبها که‌بازتابگر سیمای زحمتکشان کشور ماست‌در پوهنتون کابل به حیث استاد ایفای وظیفه نموده ودر تربیه‌کادر های ملی‌کشور همت گماشته او از طریق اتحادیه نویسنده گان برای عضویت در شورای انقلابی کاندید گردیده بود که عضویتش‌مورد تایید و تصویب جلسه شورای انقلابی قرار گرفت.

دکتور اسد الله حبیب طی صحبتی با خبرنگار ما چنین گفت: من از روز یکه قلم بدست گرفته ام شعارم‌این بوده است که باید برای‌مردم نوشت. و امانوشتن برای مردم حرف ساده یی نیست. مردم به هنریکه نیازمندی های عمیق زندگی شانرا بشکلی عالی انعکاس بدهد و از موضع منافع اکثریت مردم این انعکاس صورت بگیرد ضرورت دارند.

آثار ادبی و هنری در ین مقطع زمانی هرگاه به انقلاب خدمت نکند با وصف هر نوع مجامله و استدلال در موضع ضد انقلاب‌قرار خواهد داشت.

مسئله توسعه پایگاه اجتماعی انقلاب و توسعه شورای انقلابی از تحلیل دقیق وضع تکامل انقلاب ثور وضرورت جلب هر چه بیشتر پشتیبانی طبقات و اقشار وسیع مردم ازانقلاب و بیشتر دموکراتیک ساختن مسله رهبری دولتی ناشی می شود.

رویداد های بزرگ در کشور ما در سالجاری، مانند لویه جرگه تاریخی مردم و جرگه عالی قبایل و انتخابات نماینده گان مردم که همه درتاریخ سیاسی ـ اجتماعی کشورما یگانه و بی‌نظیر بوده است بوقوع پیوسته است با تاکید میتوان نشان داد که انقلاب ثور وسیعاً مورد پشتیبانی زحمتکشان ما قرار دارد وطبقات و اقشار مختلف جامعه مادر دفاع از دست آورد های انقلاب عملا سهیم‌اند و علاقمندی جدی به افزایش نقش خویش و ارتقای سطح فعالیت خود در پروسه انقلاب دارند. بنابر آن این اقدام که بر چنین تحلیلی‌مبتنی است در واقع به پیشواز اراده و خواست اکثریت زحمت ـ کشان افغانستان حساب‌شده می تواند و ما عملا شاهد استقبال گرم ازین اقدام حزب و دولت ج.د.ا. هستیم که مردم با اطمینان بیشتر به فردا ازین گامهای بزرگ و دارای اهمیت عمیق تاریخی پشتیبانی می نمایند.



مصاحبه کننده ـ گل احمد

سرباز نبردها

قهرمانان وطن

درسیمینار کار مندان ایدیالوژیک ح.د.خ.ا از نبرد قهرمانانه جمعه، سرباز کماندوکه‌در ۲۸۸ عملیات رزمی بر ضد دشمنان انقلاب شرکت ورزیده‌و۸نشان ومدال دریافت داشته است، یادآوری‌گردید وبازتاب‌کار نامه های دلیرانهٔ وی بر دوش رسانه های جمعی کشورگذاشته شد.

اینک گوشه های‌کوچکی از زندگی‌و رزم این قهرمان بر خاسته ازمیان‌مردم‌رابدست نشرسپردیم.

این جا سخن از گذشته هاست و یادسالیان دوراز امروز:

غروب، سرد و غم گرفته است، قرص خونین خورشید، پرتو حیات بخش و امید آفرین خویشرا، آهسته آهسته از دست‌میدهد، و آن شط جوشان نور رفته رفته چنان مینماید که گویی اینک با همه توانایی چشمه نوریست که‌می خشکد، تنوری گدازانیست که میمیرد و دریای‌آتشیست که در کام قلزم یخ بسته‌یی فرو می لغزد و آنگاه برای‌هر بیننده یی، بی هیچ زحمتی قابل تماشا میشود، درهمین حال و درست در همین

(ص٤)



دوهم برید من جمعه — عکاسی هاشم نذیر

همکاری سراسری ملی

توضیح تیزس های رفیق ببرک کارمل «درباره خصلت ملی ـ دموکراتیک انقلاب ثور ووظایف تأخیر ناپذیر آن درشرایط کنونی»

درین رابطه دومین صفحه اختصاصی در صفحه دوم همین شماره به نشر رسیده است.

اخبار خارجی

اقدام آشکار برضد لیبیا

رادیو طرابلس به قول آژانس خبری لیبیا گزارش میدهد که یک طیارهٔ ملکی لیبیا پریروز از طرف طیارات جنگی اسرائیل محاصره و جبرا به قلمرواسرائیل فرودآورده شد.

در گزارش علاوه شده اطلاعات درباره این طیاره خط هوایی لیبیا که از طرابلس به دمشق در حال پرواز بود از طرف نیرو های امریکایی به اسرائیل فراهم گردیده است.

باختر



تسلیح ضد انقلاب افغانی سند رسوایی امپریالیزم است. باند ها را مسلح می کنند، تادست به‌کشتار بیشتر بزنند.

تجاوز نظامیگران پاکستان علیه قبایل آزاد

دیروز از مناطق قبایلی گزارشدادند:

- گزارش های‌رسیده ازمناطق قبایلی حاکیست که: دفتر باندجمعیت اسلامی درپاره چنار مرکز کرم‌ایجنسی در اثر انفجار یک بم به کلی منهدم گردیده است.
- جوانان دلیرقبایل آزاد چندین عراده موتر باند های ضد انقلابی را منفجر ساخته که در نتیجه ٤۷ تن ازعناصر ضد انقلاب نابود گردیدند.
- تظاهرات وسیع در مقابل دفتر پولیتیکل کرم ایجنسی صورت گرفت و تجاوزات بی شرمانه رژیم مستبد پاکستان علیه مردم دلیر افریدی و شینوار خیبر ایجنسی محکوم گردید.



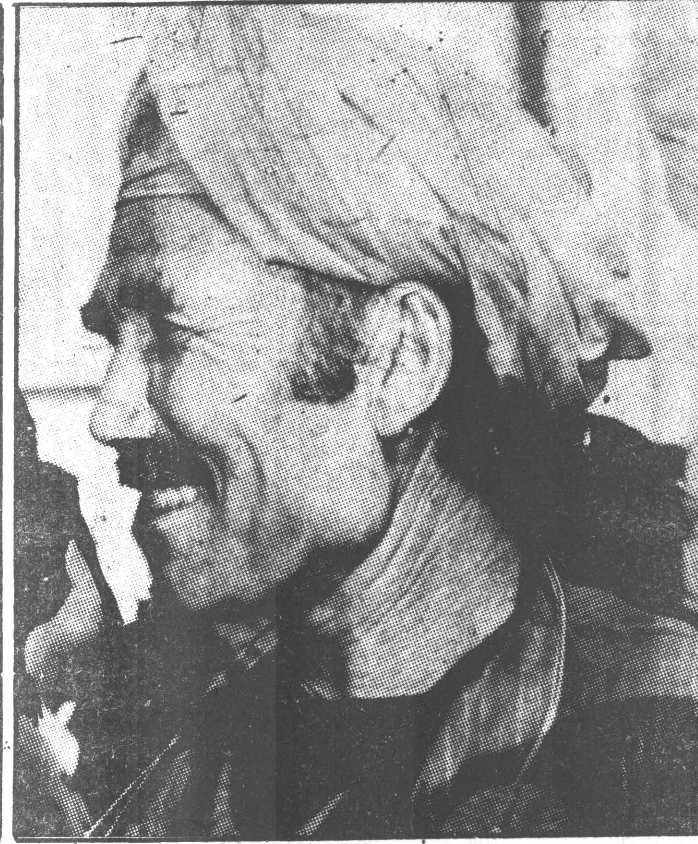
همبستگی قبایل بر ضد تجاوز نظامیگران پاکستان — طرح از: سمیع مسعود

جعلیات وقیحانه وبیشرمانه (ص۷)

درمسیر مبارزات مشترک (ص۵)

۲ پایگاه اجتماعی انقلاب: برخورد نوین

توضیح تیزس های رفیق ببرک کارمل «درباره خصلت ملی-دموکراتیک انقلاب ثور و وظایف تأخیرناپذیر آن در شرایط کنونی»





هموطنان ما فعالانه در کارانتخابات ارگان های محلی‌سهم گرفتند، که خود بیانگرپیوند استوار مردم با حزب ودولت است. عکس : جریان انتخابات دریکی ازحوزه های‌انتخاباتی . عکاسی‌میرویس

ما از کلیه هموطنان و وطنپرستان واقعی افغانستان آزاده و مستقل دعوت مینماییم تا در امر نوسازی تاریخی رستاخیز ملی کشور و سعادت فرزندان آینده خویش فعالانه سهم بگیرند

از تیزس دوم

همکاری سراسری ملی

دستاورد عمده سیاسی انقلاب ملی ـ دموکراتیک ثور عبارت از ایجادحاکمیت دولتی طراز نوین است که اتحاد نیرو های وسیع ملی و دموکراتیک پایه اجتماعی آنرا تشکیل میدهد. ماهیت حاکمیت نوین دولتی ناشی‌از خصلت ملی دموکراتیک انقلاب بوده ومستلزم شرکت وسیع نمایندگان همه‌اقشار و گروه های اجتماعی و تمام وطنپرستان واقعی در زندگی سیاسی، اجتماعی و اداره امور است.

امروز مهمترین وظیفه عبارت از آنست تاوسیعترین نمایندگان مردم، اقشار و گروهای اهالی به امرتحقق تحولات انقلابی و ساختمان جامعه عادلانه نوین بیش‌از پیش جلب گردند.

هدف از برخورد نوین نسبت به توسعه پایه های اجتماعی حاکمیت مردم در مجموع نیل به همکاری سراسری ملی، حل‌مسایل به شیوه صلحجو یانه، قطع خونریزی و استقرار صلح و امنیت سراسری وطنی است.

از همین موضع است که باید کار با آن‌گروه های از اهالی که تا کنون موقف بیطرفانه داشته و ذخیره بزرگ اجتماعی بشمار می روند، بهبود یابد. نه تنها با عناصر و سازمانهای‌غیر انقلابی، بلکه با آن بخش‌از نیرو های که هنوز مواضع خصمانه دارند تماس و همکاری بر قرار گردد. با در نظر داشت اینکه در اوضاع‌و احوال موجود، اختلافات با آنان ممکن و حتی ناگزیر است نباید این اختلافات با توسل به سلاح، بلکه باید‌از طریق دیالوگ سازنده وتا جای ممکن اقناع کننده حل‌و فصل گردد.

برای ما راهی جز تامین ترقی اجتماعی و اقتصادی و شگوفانی فرهنگ های مترقی و ملی، ارتقای سطح زندگی مردم، استقرار صلح و امنیت پایدار و خدشه ناپذیر ایجاد شرایط لازم برای کار آرام و صلح آمیز مطمین و تضمین همه مردم وجود ندارد. نیل به همه‌این اهداف شریفانه انسانی که در آن مصالح همه خلق کشور ما، همه باشندگان افغانستان انقلابی بازتاب میابد با توسعه پایه‌های اجتماعی حاکمیت نوین دولتی در ج.د.ا، و جلب‌همه متحدین سیاسی مربوط به اقشار مختلف جامعه ما در کار ارگانهای قدرت و اداره دولتی و فعالیتهای سیاسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارتباط ناگسستنی دارد. پرنسیب های اساسی‌برخورد نوین چیست؟ تیزس دوم بیانیه رفیق ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، و رئیس شورای انقلابی ج. د.ا، در جلسه وسیع و فوق العاده شورای انقلابی ج. د.ا، مورخ ۱۸ عقرب ٦٤ به این پرسش پاسخ میدهد. این پرنسیب ها بصورت کلی عبارتند از:

ـ آماده گی برای همکاری وسیع سراسری‌ملی بر پایه منافع همه خلق ومصالح‌ملی.

ـ گذشت های اصولی و ممکن بخاطر توافق ملی، مصالحه اصولی و انعطاف پذیر مطابق به مصالح ملی کشور صلح و امنیت سراسری وطنی.

ـ توسعه ترکیب ارگانهای رهبری کننده دولت یعنی شورای انقلابی و شورای وزیران و سایر ارگانهای محلی قدرت و اداره با شامل ساختن نمایندگان با اعتبار مردم.

پرنسیب های عمده برخورد نوین فضای وسیع همکاری سراسری ملی را بوجود آورده و بدون انکه مقامات رهبری کننده در ارگانهای حاکمیت دولتی در انحصار اعضای ح. د.خ.ا، باشد، حق و زمینه شرکت وسیع همه وطنپرستان واقعی اعم از نمایندگان تمام اقشار و گروه های اجتماعی یعنی کارگران، دهقانان، زمینداران متوسط، پیشه وران، روشنفکران منسوبین قوای مسلح از سرباز تا جنرال، متشبثین خصوصی، سرمایه داران‌ملی، تجاری وصنعتی روحانیون و شخصیت های با اعتبار اجتماعی را در امر اداره دولتی تضمین و فراهم ساخته و با شامل ساختن آنان در مقامات رهبری‌دولتی منافع همه اقشار و گروه‌های اجتماعی‌رابیان‌وحراست‌مینماید.

توسعه ترکیب ارگانهای رهبری حاکمیت دولتی یکی از پرنسیب های اساسی برخورد نوین نسبت به گسترش پایه های اجتماعی حاکمیت انقلابی خلق است.

بر مبنای این پرنسیب با شامل ساختن نمایندگان اقشار و گروه های مختلف اجتماعی در ترکیب‌شورای انقلابی و شورای وزیران و مقامات رهبری کننده جبهه ملی پدر وطن و ارگانهای رهبری کننده محلی قدرت و اداره گام عملی در توسعه پایه های اجتماعی حاکمیت مردمی برداشته شده‌است.

پرنسیپ‌های اساسی برخورد نوین

توسعه شورای انقلابی بمثابه عالیترین ارگان قدرت درجمهوری دموکراتیک افغانستان که در راس سیستم ارگانهای حاکمیت دولتی قرار دارد گام بزرگ دارای اهمیت سیاسی وعملی برای تحقق تیزس هاو اعلامیه شورای انقلابی ج.د.ا، مورخ ۲۲ عقرب ٦٤ بشمار میرود.

چنانچه شورای انقلابی ج.د.ا، در اجلاس چارم فوق ـ العاده‌خویش ۷۹ تن‌نمایندگان پیشنهادی سازمانهای‌اجتماعی راکه۷۱ فیصدآنان‌غیر حزبی‌اند به عضویت شورای انقلابی ج.د.ا وهیات رئیسه شورای انقلابی ج.د.ا، انتخاب نمودند.

افراد انتخاب شده در شورای انقلابی نمایندگان با اعتبار همه اقشار و گروه‌های اجتماعی تمام اقوام، ملیتها و قبایل کشور اند که صادقانه بامرانقلاب ومردم خدمت نموده ومینمایند.

همچنان توسعه شورای وزیران نیز با شامل ساختن نمایندگان با اعتبار مردم قدم مهمی دیگری در تحقق تیزسها وتوسعه پایه های اجتماعی حاکمیت مردمی محسوب میگردد. چنانچه بعدازبرخورد نوین ۱۸ تن افراد غیر حزبی که نمایندگان گروه های مختلف اجتماعی اند در سطح وزیرومعاون‌وزیر‌متصوب‌شدند.

شامل ساختن نمایندگان گروه ها واقشار اجتماعی وطنپرست در ترکیب شورای وزیران، شورای انقلابی و هیات رئیسه شورای انقلابی باور مردم رابااین امر که‌حزب ودولت انقلابی ما مظهر ارادهٔ مردم است بیش از پیش عمیقتر ساخت. همچنان‌پلینوم هفتم شورای مرکزی جبهه‌ملی پدر وطن ج.د.ا، ۳۷ نفر را جدیداً به عضویت شورای مرکزی جبهه و ١٤ نفر را به هیات اجرائیه و ریاست هیات اجرائیه شورای مرکزی جبهه ملی پدر وطن ج.د.ا، انتخاب نمود.

میتوان از شمار گامهای عملی در توسعه پایه های اجتماعی حاکمیت مردمی، انتخاب ریش سفیدان و شخصیت های متنفذ محلی را در ارگانهای محلی حاکمیت دولتی، جرگه‌ها، ایجاد انجمن حقوقدانان ج.د.ا، تسریع و گسترش فعالیت شورای مرکزی ملیت هزاره، شورای مشورتی اقتصادی، اتاقهای تجارت و شامل ساختن نمایندگان این سازمانها در اداره امور، ایجاد کمیسیون سازماندهی عودت هموطنان ومهاجرین به کشور و ده ها اقدام را بیاد آورد.

امروز در ج.د.ا، انتخابات ارگان های محلی قدرت وادارهٔ دولتی‌ادامه دارد. حزب ودولت از جرگه ها و(شوراها) بحیث یك شکل عنعنوی خود گردانی پشتیبانی می نماید. انجام چنین انتخابات آزاد ودموکراتیك وظیفه مبرم ما بوده است..

سرنوشت فریب خورده‌ها و افغانها ییکه در خارج از کشور قرار دارند مورد توجه حزب بوده، از آنان دعوت می نماید که به وطن آبایی خویش عودت نموده، در ساختمان جامعه نوین سهم‌بگیرند حزب وحاکمیت انقلابی سیاستی را پیش میبرد که بامنافع اساسی، آرزو ها، ارمانها و نیازمندیهای خلق کشور ما مطابقت دارد وبهمین جهت است‌که مردم سرنوشت خویشرا با انقلاب ثور پیوند داده و «انتخاب تاریخی خودرا بطور قطعی وبرگشت ناپذیر» نموده اند.

حقایق و ارقام

شورای انقلابی بمثابه عالیترین ارگان قدرت در ج.د.ا، دارای ۱٤٦ عضو شامل کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، روشنفکران، تاجران ملی و روحانیون همچنان نمایندگان با اعتبار همه ملیتها، اقوام‌و قبایل باهم برادر کشوربوده، در مجموع ۵۱ تن که ۳۹فیصد مجموع اعضای شورای‌انقلابی رادر بر میگیرد غیرحزبی‌اند.

*

شورای وزیران ج.د.ا، متشکل از نمایندگان مردم از همه ملیت ها، اقوام و قبایل ساکن در کشور واحد ما، افغانستان انقلابی میباشد. در ترکیب شورای وزیران ج.د.ا، ٤۲ تن عضووجوددارد. که‌ده‌تن آنان غیر حزبی‌بودمو در مقرریهای اخیر که بعد از برخورد نوین صورت گرفت ۱۸ تن وزیر و معاون وزیر از جمله غیر حزبی ها منصوب شدند.

*

با تدویر-انتخابات در شهر کابل وولایات کابل، بدخشان، نیمروز، بلخ، ننگرهار، کندز و جوزجان، هلمند مرحله اول انتخابات‌ارگانهای محلی قدرت واداره دولتی ج.د.ا، موفقانه پایان یافت.

در گرد هم آیی های انتخاباتی نود فیصد افراد واجدشرایط رای دهی شرکت نمود و ٤۱۲۰ تن نماینده رادر ۳۸۱ جرگه (شورا) انتخاب نمودند. از مجموع‌نمایندگان ۵۹ فیصد یا ۲٤۲۹ تن غیر حزبی بوده اند.

دست در دست هم

ماهیت وخصلت انقلاب ملی ودموکراتیک ثور را عمدتا اهدافی که انقلاب در برابر خود قرارداده، وظایفی که باید به سر رسانیده شود چگونگی نیرو هایی که در روند انقلاب شرکت می کنند وسطح تکامل اجتماعی، اقتصادی جامعه‌رامعین‌میسازد.

انقلاب ثور که نتیجه قانونمند تکامل تاریخی جامعه ومبارزات خلق کشور بوده جزء از پروسهٔ واحد انقلابی جهان است دارای وظایف‌ملی، دموکراتیك ضد فیودالی وضد امپریالیستی است اهداف انقلاب مادر اسنادح.د.خ.ا، به وضاحت، تشریح‌وتبیین‌گردیده است.

محو تمام بقایای مناسبات فیودالی وماقبل آن با الغای زمینداری بزرگ و اصلاحات دموکراتیك ارضی، رشد اقتصاد ملی و ارتقای سطح زندگی مادی و فرهنگی مردم، دموکراتیزه ساختن حیات سیاسی و اجتماعی، از بین بردن نابرابری های ملی، ایجاد شرایط واقعی برای نزدیکی ملیتها، اقوام وقبایل، طرد نفوذ ودسایس امپریالیزم وتعقیب سیاست صلح‌جویانه خارجی خطوط کلی اهداف عام مرحله کنونی انقلاب راتشکیل میدهد.

اجرای‌این وظایف که انقلاب ثور در برابر خویش قرارداده شرکت فعال آن نیرو های اجتماعی را در عرصهٔ فعالیت انقلابی می طلبد که در این مرحله دارای خواست ها و منافع مشترك اند.

نیرو های شرکت کننده در انقلاب ماکی ها اند؟ این نیرو ها که‌در مجموع پایگاه حاکمیت انقلابی ما را تشکیل میدهد طیف وسیعی ازطبقات، اقشار ونیرو های اجتماعی را که نزدیك به ۹۸ فیصدمجموع اهالی کشور را تشکیل می دهند، در بر می گیرد.

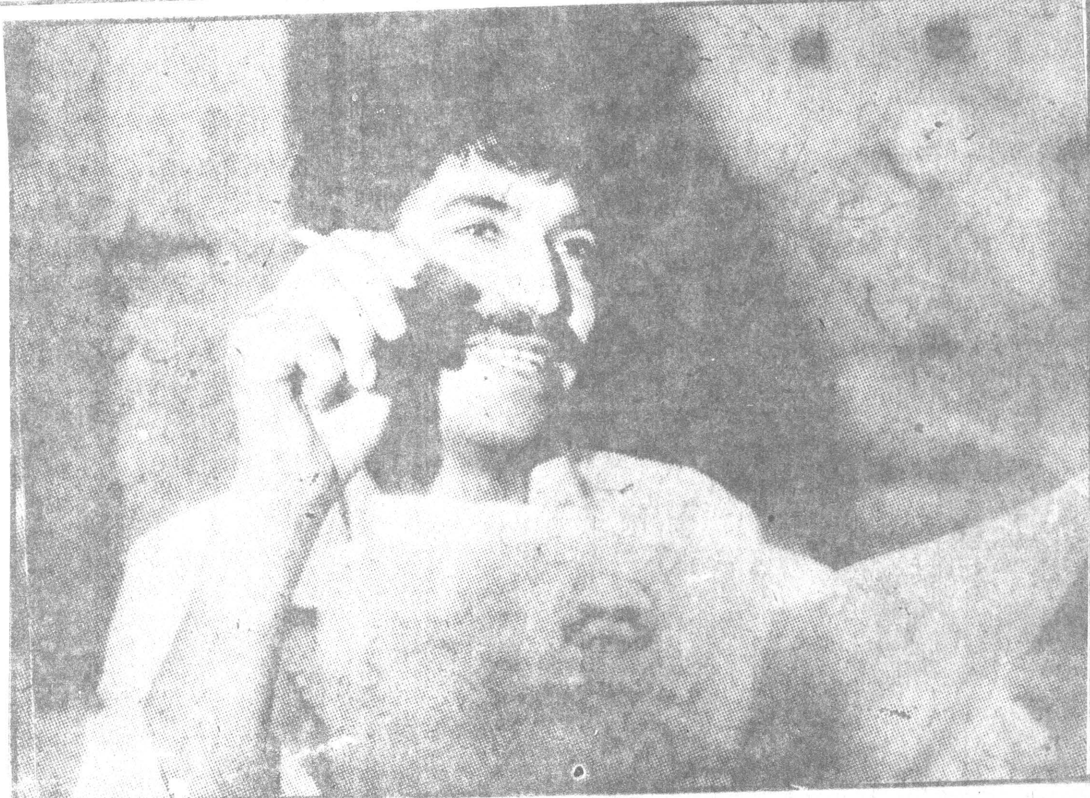
نمایندگان تمام اقشار و گروههای اجتماعی اعم از کارگران، دهقانان، زمینداران متوسط، پیشه وران، روشنفکران، منسوبین قوای مسلح از سرباز تا جنرال متشبثین خصوصی، سرمایه داران ملی، تجاری و صنعتی، روحانیون و شخصیت های با اعتبار تمام ملیت ها اقوام وقبایل همه وهمه نیرو های شرکت کننده در پروسه تحولات انقلابی در کشور اند.

اهداف و وظایف مطروحه در اسناد مرامی حزب بر نامه عمل و خطوط اساسی وظایف انقلابی ج.د.ا، و اصول اساسی ج.د.ا، منافع حیاتی همه‌قشرهای اجتماعی‌رامنعکس ساخته و حاکمیت نوین دولتی که کارگران، دهقانان وپیشه وران پایه های واقعی آنرا تشکیل میدهند از آن حراست می نماید.

این امر از همه نیرو های اجتماعی می طلبد تا دست در دست هم داده برای ایجاد آن چنان شرایطی که امکانات واقعی وعملی جلب صادقانه متحدین اجتماعی و سیاسی را که معتقد به ارمان انقلاب باشند، مساعد سازد، مجدانه تلاش نمایند. برخورد نوین نسبت به توسعه پایه های اجتماعی انقلاب خواستار جلب دوستان و متحدین و همراهان سیاسی جدیداست، خلق افغان همراه با هم‌به‌سوی آینده های شگوفان به پیش میرود وقله های پیروزی را درهم می نوردد.



هموطنانی که فریب تبلیغات‌دشمن راخورده اند، دو باره‌به انقلاب روی می آورند این موج ادامه دارد. عکس : عدهٔ از فریب‌خورد ها. که خودرا به دولت تسلیم کرده اند. عکاسی فرید



نبرد مقدس در تمام عرصه‌ها در جریان است. دشوار، اما پرشکوه، پرافتخار، باهدف‌وهستی ساز. مبارزه علیه جهل، یکی‌ازاین عرصه‌هاست. درعکس : یك تن ازشاگردان کورس سواد آموزی سیلوی‌مرکزی . عکاسی هاشم نذیر

تدابیر موثر برای بهبود زراعت

درشورای وزیران ج.د.ا

ترویج تخم های اصلاح‌شده بذری در بخش زراعت از مسایلی است که به رشد محصولات زراعتی و بهبود شیوه های کشت و برداشت حاصل بیشتر، تاثیر ارزنده بجا میگذارد.

حکومت ج.د.ا، همواره سعی بعمل آورده تا از طریق ارگان ها وسازمان‌های که موظف به انجام تحولات در بخش زراعت اند، به تقویت پایه مادی و تخنیکی وترویج شیوه های بهتر کشت و برداشت مبادرت ورزد.

شورای وزیران ج.د.ا. در جلسهٔ مور خ ۲۳ر۱۰ر۶۴ کمیته اجرائیه خویش مسایل تطبیق‌سیستماتیك پلان های تولید و توزیع تخمهای اصلاح شده بذری، استفاده مفید و ثمربخش از ساحات قابل کشت موجود و از آنجمله از زمین های تحت آبیاری و تامین بخش زراعت به تخم های اصلاح شده بذری را مورد بحث‌قرار داد.

ضمن بحث روی مسایل مطروحه فوق تصامیم لازم به منظور تسریع بهبودفعالیت تصدی تخمهای اصلاح شده بذری، افزایش در تولید تخم های اصلاح شده‌بذری بهبود بنیادی سازماندهی وارتقای موثریت امور‌اصلاح تخم های بذری در کشور، طرح و ترتیب پروگرام، ایجاد سیستم متمرکز امور اصلاح تخمهای بذری در کشور را بر پایه تصدی‌دولتی تخم های اصلاح شده بذری، استیشن های تجربوی، قطعات نمایشی، فارم ها و سایر تصدی های مربوط، اتخاذ گردید.

به منظور بر آورده شدن اهداف فوق بر طبق فیصلهٔ جلسه کمیته اجرائیوی شورای وزیران ج.د.ا، باید پیاز تمای های فارم های دولتی، کوپراتیفی ودهاقین از لحاظ انواع تخم های بذری بر محصول با درنظر داشتن شرایط اقلیمی و محل تامین گردد.

سیستم واحد تهیه، تولید کنترول از کیفیت، تورید، توزیع و فروش تخمهای بذری دارای جنسیت بلند، سازماندهی گردد.

فارم های مخصوص تخمهای اصلاح شده ایجاد شود، شبکه مراکزخریداری وپالك کاری حبوبات، دیپو های حفاظت تخم های بذری ولابراتوار کنترول های بذری توسعه یابد.

از ظرفیت موجود فارم های تولید تخمها ی اصلاح شده بذری استفاده اعظمی بعمل آید، پایه مادی‌وتخنیکی امور اصلاح تخمهای بذری تحکیم یابد و کار های لازم در رابطه به ترمیم، احیای مجدد ساختمانی درین عرصه صورت گیرد.

امور علمی ـ تحقیقاتی وتجربوی در بخش اصلاح تخمهای بذری گسترش یابد. معاونت های مشورتی و میتودیك به فارم های دولتی، کوپراتیفی و خصوصی سازماندهی گردد و روابط علمی، تخنیکی و اقتصادی باکشور های دوست وسازمان های بین المللی در این عرصه تحکیم گردد.

متخصصین و رزیده وکارگران به منظور عملی نمودن اهداف‌فوق تربیه گردد. تدابیر لازم جهت ایجاد شرایط مساعد به خاطر جذب و حفظ کادرها در فارم ها، تصدی ها و موسسات‌یکه در امور مربوط به رشد و اصلاح تخمهای بذری در کشور مصروف‌اند، تحقق یابد.

سازماندهی اداره فارم‌ها، تصدیها و موسسات امور اصلاح تخمهای بذری، بهبود یابد. موثریت فعالیت آنها ارتقا یابد، قیمت های خریداری و عرضه تخم های بذری دارای جنسیت بلند، تنظیم گردد.

تحقق و ظایف متذکره به طور مشخص در برابر وزارت زراعت واصلاحات ارضی ج.د.ا. قرار دارد.

علاوتاً کمیتهٔ دولتی پلان گذاری ج.د.ا، به اشتراك وزارت زراعت و اصلاحات ارضی، وزارت امور آبیاری ومنابع آب وسایر مراجع ذیربط، وظیفه دارد که پروگرام رشد امور اصلاح تخم های بذری در کشور را که از جانب وزارت زراعت‌و اصلاحات ارضی طرح و ارائه میگردد مورد بررسی‌قرار داده و در صورت لزوم در مسوده پلانهای رشد اقتصادی ـ اجتماعی ج.د.ا. برای سال ۱۳۶۵ وسال های بعدی پیشبینی نماید.

وزارت زراعت و اصلاحات ارضی ج.د.ا، وزارت آبیاری ومنابع آب ج.د.ا، وزارت امور داخله ج.د.ا، در جهت بهبود سازماندهی فعالیت، تقویت پایه مادی، تخنیکی‌و تامین امنیت فارم ها و سایر تاسیسات مربوط به تصدی تخمهای اصلاح شده، افزایش حجم تولیدو ارتقای کیفیت تخم های بذری‌حبوبات و نباتات زراعتی‌تدابیر اوپراتیفی لازم اتخاذنمایند.

تحقق تدابیر فوق امور مربوط به تولید و توزیع تخم های اصلاح شده بذری وارتقای موثریت آن‌را در افزایش سطح محصولات زراعتی تامین مینماید.

در جلسه متذکره شورای وزیران ج.د.ا، تصامیم لازم ومفید در مورد بهبود خدمات مو‌تلداری وارتقای موثریت فعالیت در آن عرصه نیز اتخاذ گردید.

تهیه کننده : میرویس

مساعدت

کشور دوست و برادر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به سلسله مساعدت های بلا عوض‌خویش در زمینه ادویه طبی چهار صد هزار دوز واکسین ضد محرقهٔ رابه جمهوری دموکراتیك افغانستان کمك نموده است.

پروتوکول تسلیمدهی واکسین متذکره قبل از ظهر دیروز توسط نبی کامیار وزیر صحت عامه و الکساندر پتروف مستشار اقتصادی سفارت کبرای اتحاد شوروی مقیم کابل امضاء و اسناد آن مبادله گردید.

به موجب این پروتوکول مقدار واکسین متذکره تااخیر ماه حوت سالجاری به‌آنوزارت تحویل داده میشود.

باختر

پایان کار سمپوزیم

سمپوزیم کمیسیون مشترك مورخین افغانستان و شوروی تحت عنوان انقلاب ثوردست آورد های آن خاتمه یافت.

در ختم جلسات علمی این سمپوزیم رفیق سلیمان لایق عضو علی البدل بیروی‌سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان،وزیر امور اقوام و قبایل و رئیس عمومی‌اکادمی‌علوم‌جمهوری‌دموکراتیك افغانستان طی بیانیهٔ از کار مثمر و مفید دارالانشای کمیسیون مشترك مؤرخین از سازماندهی‌خوب سکرتریت علمی اکادمی علوم جمهوری دموکراتیك افغانستان و زحمات ارزشمند دانشمندان افغانی وشوروی ابراز سپاسگزاری نموده‌گفت: کمیسیون مشترك تاریخ‌دانان افغانی شوروی در عمر کوتاه یك ونیم ساله خود به نتایج سودمند علمی رسیده است.

سمپوزیم حاضر که دستاورد ثمر بخش کار علماو دانشمندان افغانی و شوروی بوده و تحت پروگرام کار مشترك تاریخ دانان افغانی وشوروی موفقانه به انجام رسید یك عرصه مثمر جدید همکاری های علمی میان دانشمندان جمهوری دموکراتیك افغانستان و اتحاد شوروی برادر را در برابر ما میگشاید.

طبق یك خبر دیگر سومین وآخرین جلسه علمی سمپوزیم کمیسیون مشترك افغانی و شوروی که‌قبل‌ازظهر دیروزتحت ریاست داکتر عبداللطیف جلالی سکرتر علمی‌کمیسیون مشترك مؤرخین جانب افغانی دایر گردید. سید دوستمرادوف عضو کمیسیون بخش شوروی وسرپرست بخش شرق شناسی اکادمی علوم تاجکستان اتحاد شوروی، پوهنیار شاه محمود محمود استاد پوهنتون کابل، پوهنیار عبدالواسع قرار عضوکمیسیون مشترك مؤرخین افغانی و شوروی و معاون پوهنتون کابل ومحقق محمد انور نومیالی عضو انستیتوت شرق‌شناسی اکادمی علوم جمهوری دموکراتیك افغانستان بالترتیب پیرامون انقلاب ثور و رشد فرهنگ در جمهوری دموکراتیك افغانستان، دستاورد های جمهوری دموکراتیك افغانستان در عرصه تحصیلات عالی، انقلاب ثور و سیاست امپریالستی ایالات متحده امریکا علیه آن و سیاست اجتماعی جمهوری دموکراتیك افغانستان در مورد حل‌مساله ملی، مطالبی ایراد کردند.

در پایان هر یك از مضامین ومقالات علمی سوالاتی ازطرف دانشمندان مطرح گردیده و همچنان پیشنهادات، نظریات و انتقادات شانرا درزمینه ارائه کردند.

بعد از ایراد مضامین علمی کار جلسات سمپوزیم کمیسیون مشترك مؤرخین افغانی و شوروی توسط سکرتر علمی کمیسیون متذکره ارزیابی گردید.

در این سمپوزیم که بتاریخ پانزده دلو در هوتل آریانا آغاز گردیده بود یازده‌دانشمند افغانی و اتحاد شوروی مقالات علمی شانرا پیرامون گوشه های مختلف تاریخ کشور ما و رویداد بزرگ و تاریخی انقلاب ثور و انعکاس آن‌بالای تمام شوون زندگی مردم‌کشور ما ارائه کردند.

باختر

زندگی حزبی

روستای کوچک نمونه بزرگ پیکار

قریه آهنگران با ۵۰۰ نفر نفوس خویش یکی از قریه های مربوط و لسوالی دوشی ولایت بغلان است، اهالی پیکارجوی قریه با فعالیت وطنپرستانه خویش، به سازمانهای اجتماعی تنظیم و فداکارانه در اعمار وطن سهم میگیرند.

در پهلوی دو سازمان اولیه حزبی که یکصد نفر عضو اصلی و آزمایشی حزب را در بر میگیرد، دو سازمان اولیه زنان و شورای محل زیست ج.م.پ.و که یك شورای آنرا شورای محل زیست زنان قریه‌که رئیس‌آن هم یکتن‌از زنان آن قریه میباشد. کوپراتیف دهقانان قریه و یك گروه مدافعین انقلاب که ۵۵ نفر اعضاء دارد واز جمله ۷ تن شانرا زنان تشکیل میدهد وجود دارد.

زنان و مردان این قریه در تسریع روند انقلاب شکوهمند ثور نقش حزبی را ایفاء می نماید. همه مردمی که در اینجا زندگی دارند در حزب و یکی از سازمانهای اجتماعی عضویت دارند. ضد انقلاب با وصف تلاش های مذبوحانه نتوانسته است حوا تان این قریه را فریب داده و به بیراهه بکشانند. با ذکر نکاتی پیرامون قریه آهنگران، با یکتن از دهقانان قریه‌که عضویت پر افتخار ح.د.خ.ا. را دارد و درراه تحقق‌آرمانهای‌حزب ما قبل از انقلاب و بعدازانقلاب تلاش و پیکار نموده، به صحبت می‌نشینیم.

محمد امان آهنگر که ۴۳ سال عمر و چار فرزند ندارد از سال ۱۳۵۵ با ینطرف عضو ح.د.خ.ا بوده ازطریق سازمان اولیه ... داس وغیره لوازم دهقانی برای اهالی‌قریه‌امرارمعاش مینماید.

بعد از انقلاب یکنیم سال سرباز داوطلب بوده در حفاظت پل ها، مکاتب قریه و دفاع از امنیت و آرامش مردم وولسوالی بدل توجه نموده است.

اوکه در عملیات های زیادی در اندراب، خنجان و قریه جات کرد، دوستی خواجه زید، مرخوابی و زورابی اشتراك کرده میگوید:

از مامورین یك تعداد رفقای ما در شاهراه سالنگ در پوسته وظیفه گرفتند که منهم عضو پوسته بودم. اشرار که‌پوسته ما را مانع در راه چپاول و قطاع‌الطریقی خود میدیدند، در جهت نابودی آن چندین بار کوشش نمودند.

پوسته ما بنام آهنگر بود ازطرف شب تعداد زیاد اشرار بالای ما حمله کردند زدوخورد جا نبین تا صبح‌دوام کرد و سه نفر را کت چی اشرار نابود شد و یك تعداد شان زخمی گردیدند. رفقای ما قهرمانانه ازپوسته شان دفاع کردند و یك رفیق ما به شهادت رسید رفیق غایب نظر که عضو پوسته بود با فیر های دوامدار ماشیندار بد شمن جواب میداد دشمن نتوانست‌بالای ما موفق شود.

جوانان ما در تمام نقاط ولایت بغلان از انقلاب دفاع مینمایند.

حساس خبر نگار ح.ا.ث
در بغلان



باید تمام استعدادوتوانایی‌را بکار انداخت. بایدکارموثروباثمرانجام داد. انقلاب ازما چنین میخواهد، بویژه‌مسوولیت حزبی ها سنگین‌است، نه امتیاز که وقف و فداکاری مطرح است. که‌چنین نیز هست.

درعکس : عبدالفرید، کارگرشعبه برق سیلوی مرکز برای‌دوتن از کارگران آموزش میدهد. عضوح.د.خ.ا، است. عکاسی شریف لطیفی

برخورد خلاق به وظایف

طی جلسات‌گزارشدهی که در مدت‌یکماه الی ۱۵جدی درسازمانهای اولیه‌حزبی ادامه یافت، اعضای حزب دموکراتیك خلق‌افغانستان فرصت وامکان آنرایافتند تا یکباردیگر به آنچه‌طی مدت زمانی بعد از تدویرنخستین جلسات گزارشدهی حزبی در حزب ما،انجام داده‌اند بازنگرند و آنچه انجام نداده‌اند ویا انجام‌آن با کاستی های همراه بوده است، بادید نقادانه نگریسته دربی دریافت علل و عوامل آن برآمده‌دررفع آن بکوشند.

در جلسات‌گزارشدهی اعضای اصلی و آزمایشی حزب ما، با شرکت فعال خویش که نشانه از رشد سیاسی آنانوسهمگیری همه جانبه در اداره امور میباشدنحوه‌برخوردسازمان های حزبی مربوط را دررابطه با اجرای فیصله ها وتصامیم مقامات حزبی‌مورد بحث و بررسی قرار داده، دربرتو مطالبات‌شانزدهمین پلینوم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا.وظایف نوینی‌را در برابرخویش قرار‌دادند.

در جلسات گزارشدهی سازمانهای اولیه‌حزبی شهر کابل، نزدیك به هفت هزار مورد پیشنهاد در رابطه بارفع نارسایی و نواقص‌موجود در کار کمیته ها و سازمانهای حزبی، بهبودکارادارات و موسسات مربوطارائه‌گردید. این‌مبین آنست که‌اعضای ح.د.خ.ا. باشور انقلابی‌و احساس‌عمیق وطنپرستی به آبادانی‌میهن و رفاه‌مردم زحمتکش کشور میاندیشند و عملا درجهت انجام‌کار اقدام می‌نمایند. و نواقص‌را رفع مینمایند.

۷۳۷۳ مورد انتقاد که‌هنگام ارائه گزارش فعالیت کمیته های‌حزبی‌درجلسات‌گزارشدهی ارائه شده، مطرح‌گردید.زمینه ابراز نظر و سهم همه اعضای حزب را فراهم ساخته. نشانه ازارتقاءمسئولیت فردی اعضای اصلی وآزمایشی حزب در جهت تطبیق نورم های زندگی حزبی و تحقق‌مطالبات‌کمیته مرکزی حزب‌میباشد. بدینسان‌انتقادات‌اصولی ورفیقانه،پیشنهادات سازنده‌ومبتکرانه در جلسات گزارشدهی توانست در مجموع جمع‌بست ازتجارب کار کمیته های حزبی رابدست داده‌و سمتهای بعدی‌کار را در جهت اجرای وظایف نوینی‌که مرحله کنونی‌انقلاب اجرآآنرا از همه کمیته ها و سازمان های حزبی‌وهمه ای اعضای ح.د.خ.ا. می طلبد، مشخص سازد.

احسان پژوهش

گشایش سیمینار

سیمینار علمی و مسلکی استادان موسسات عالی تربیه معلم مرکز وولایات کشورقبل از ظهر پریروز در تالار لیسه استقلال گشایش یافت. در آغاز کار این سیمینار‌درحالیکه استادان و مدیران موسسات عالی تربیه معلم مرکزوولایات معاونان تدریسی و آمرین دیپار تمنت ها، استادان روانشناسی و پیداگوژی، استادان تهیه مواد و ممد درسی، اعضای علمی ومسلکی تربیه‌معلم‌ومدارس‌دینی اشتراك داشتندعبدالصمدقیومی‌وزیرتعلیم وتربیه ج.د.ا، در رابطه به رشد بعدی تعلیم و تربیه و وظایف استادان موسسات عالی تربیه معلم بیانیه یی ایراد نمود. بعداً چندتن دیگر نیز پیرامون موضوع صحبت نمودند.

هاتله

وفات یک شخصیت اجتماعی و روحانی

سید داود آغا یکتن از شخصیت های روحانی و منور کشور نسبت مریضی ایکه عاید حالش گردیده‌بود دیروز صبح‌به‌عمر هشتادودو سالگی وفات نمود. انا لله و انا الیه راجعون.

مرحوم سید داود آغا شخصیت با اعتبار اجتماعی و روحانی نماینده مردم ولایت بلخ در لویه جرگه تاریخی جمهوری دموکراتیك افغانستان و دوره های ششم و هفت ولسی جرگه نیز افتخار نمایندگی مردم ولایت بلخ‌را به‌عهده داشت. باختر

سربازنبردها

رزمندهٔ قهرمانی که در ۲۸۸ عملیات رزمی دلیرانه شرکت ورزیده ودر نتیجه مفتخر به دریافت ۸ نشان ومدال گردیده وبه‌درجهٔ افسری «دوهم بریدمن» ارتقانموده است.

(بقیه صفحه اول)

لحظه که افتاب لااقل برای همین امشب می میرد، کودکی دم دروازه یی ایستاده است و به این سقوط لحظه های ناگزیر الاههٔ روشنایی وگرما می نگرد وچنان است که گویی از نیامدن پدر، خسته و غم گرفته باشد، پشت به‌آفتاب ناامیدانه وارد خانه میشود.

شب است و همه جا در تاریکی سنگین و غمباری فرو رفته، در دل این شب خاموش اما هراس انگیز خانه ها در دامن دهکده نمود زندگی ندارند، امادر میان یکی از این خانه های تاریك کودکی خردسالی بی خواب و آرام در حالیکه وحشت و اضطراب جانکاهی به سینه دارد، در کنار مادر پهلو میزند. معلوم نیست این کودك به چه می اندیشد. امروز صبح وقتی پدر ازخانه بیرون شد ارباب محل همه را به بیگار خواسته بود و هنوز که نیمه های شب است بر نگشته. آیا کودك به این غیبت پدر می اندیشد؟

آنشب چون به سر آمد، کودك قبل از همه خانه را ترك گفته بود. مادر که‌چشم ازخواب برداشت اورا ندید.

آفتاب حالا از پس کوه ها سر کشیده است. خانه ها در دامن این قریه و لسوالی مقر ولایت غزنی، در گرمای آفتاب گویی بی هیچ امید وحرارت جان بخشی، ناچار به نفس کشیده باشند.

ناگهان فریادهای پر تضرع کودك گمشده که وحشت زده و گریه‌کنان جانب خانه می آمد، در فضا پیچید: دو خواهرو مادر وی همگی سراسیمه و هراسان بیرون آمده دور او حلقه‌زدند و اضطراب عجیبی سراپای همه را در خود گرفت. کودك گریه کنان خودش را به آغوش مادر انداخت، در حالیکه‌به سختی می گریست و دست خود را جانب دیوار عقبی خانه گرفته بود، بریده بریده گفت پدرم ... ده بین چوبا ... و بعد با ضجه های درد آلود آن خانواده فریادهای پدر جان! پدرجان!

کودك چون دودکه از هیمهٔ خشکی بر خاسته باشد در آسمان پیچیده و بالا فاصله همگی بدون آنکه بدانند چه اتفاقی افتاده است، دوان دوان بدنبال آن کودك شب زنده دار روان شدند.

با دیدن نخستین لکه‌های خون، در اطراف چوب های انباشته شده، صدای‌ناله‌ها، فریادها، تضرع و نیایش معصومانهٔ این جمع پریشان از دروبام خانه ها فراتر رفت، خورشید و آسمان در غبار تیره یی پنهان شدند و دهکده در آغوش ماتم بزرگ‌اما غریبی فرو رفت. اهل قریه از آن راز وحشتناك آگاه شدند، عده یی آن زن بخت برگشته را، آن مادر سیه روز را که اینك شوهر اورا، همه چیز او را، هستی وپناه او را کشته بودند. با کمك هم جانب خانه می بردند وعده یی دیگر در میان ضجه های معصومانهٔ وابستگان آن کشتهٔ بی گناه، پیکر سرد و بی جان او را انتقال میدادند. فردای آنروز که‌جنازه آن مرد غریب درفضای ماتم خیز بردوش دهاتیان ساکت و آرام جانب گورستان برده میشد، ارباب قریه بی هیچ هراس ونگرانی جمعیت فقرزدگان را از دور نظاره میکرد و چند کودك قدو نیم قد را میدیدکه با پای های برهنه در خط قدم های آن جمعیت، اشکریزان راه میروند.

ارباب با خود اندیشه میکرد و حادثهٔ روز قبل در برابر چشمانش جان گرفته او زنده میشد: میدید که آن مرد غریب به او دشنام میدهد و از شرکت در بیگار خودداری میکند. آنوقت‌ارباب گوشهٔ خلوتی می‌جوید وآن‌مرد غریب‌را با خود به آنجا می کشد و بعد عده یی آدمهای نوکرصفت و مزدور با اشارهٔ او مثل گرگ های گرسنه به جان آن عصیانگر بی پناه می افتند و تا آن دم‌که آخرین نفسهای زندگی وآخرین توان حرکت در وجود آن قربانی هوس های خشم آلود و لجام گسیختهٔ آنان باقیست، پیکر ضعیف و ناتوان او را با خشم‌وعتاب دیوانه واری زخم میزنندو بعد جسد نیمه جان او را در میان انبار چوپ های نزدیك آن محل کشان کشان پنهان میکنند..

تصورات این جنایت هولناك به سرعت ازبرابر چشم ارباب حمدالله میگذرد و بعد فرزندان یتیم قربانی خویشرا مینگرد که در میان شوره زاری در افتاده اندو مادر شان چادر سیاه ماتم بر سر دارد.

ارباب ناگهان‌خویشرا در میان توفان خشم ونفرت مردم محل می بیند و خیال میکندآن جمعیت خشم آگین جنازه بر دوش، جانب‌او میایند و هر کدام تیغ برهنه یی بر دست دارد. وقتی فریادناظرارباب رابخود آورد واز تصور آنچه بر ذهن داشت بر خورد لرزید، همان دم با کیسه های پراز پول راه خانهٔ ولسوال را در پیش گرفت...

چند روز بعد زن و فرزند بی پناه برای خون‌خواهی عزیز از دست رفتهٔ شان به هر درودیواری روبردند تا مگر داد رسی داد آنانرا از آن ظالم بی مروت بستانند و خونبهای آن مرد غریب بی حساب نماند و لی دریغ که گوش شنوایی دز آن مجمع دروغین عدل و داد سراغ نشد و آنهمه ناله و زاری واشك وآه چون دودی برخاسته‌از هیزم خشك به هوا رفت وچندی بعد جز خاکستر اندوه در آن کلبهٔ ماتم گرفتهٔ چیزی بر جا نماند...

فصل ها در گذرند. آفتاب بعد هر طلوع غروب میکند، ماه و ستاره گان در سینهٔ آسمان غم گرفته، هر شب تادم صبح سو سو می زنند و آن‌کودك یتیم، بار محنت و اندوه بر دوش نان آور خواهر و مادر میشود.

اینك هر شام و شبی بیوه زن منتظری چشم بدر دارد تا فرزند او ابلهه بر دست، با چند سکهٔ ناچیز ولب نانی، از دردر آیدو خانواده خویشرا از درد گرسنگی و اندوه انتظار برهاند...

آنروز چون بسر آمد و شام گرسنه چهره نمودار کرد، کلبهٔ بیوه زن از روشنایی دیگدان بهره می جست و چشم ها باز براه بود. دستی بدر زد و دختر کوچك دوان جانب دروازه رفت. انتظار به سر آمد، جمعه وارد خانه شد وعطر نان گرم در فضاء پیچید، جمعه خسته بود و مادراشکریزان از غم شادی رو به فرزند گفت: خدای من! این پسر به جای آنکه مکتب بخواند و مانند دیگران لباس نو بپوشد، اینك در پی لقمه نانی عرق می ریزد. جمعه در حالیکه خود را بی اختیار به آغوش مادر می انداخت گریه کنان گفت: با شکم گرسنه‌کی میشود مادر؟ جمعه کف دست های خود را بهم مالید و مادر بی اختیار چشم بر آبلهٔ آن دست های کوچك دوخت و اینبار صدای شیون او تا آسمانها رسید...

سالها می گذشت، نوجوانی و فصل طراوت زندگی با کار و عرق ریزی طی میشد. جمعه شهرها و دهات را زیر پا میکردومدتی این جا و آنجا اقامت می گزید، روی مزارع دیگران به کار میپرداخت شاگرد نانوا میشد، در ـ یوری می آموخت و پول های بدست آمده رابرای مادر میفرستاد. و وقتی از کار خسته و ناتوان میشد، مدتی از شب را در اندیشهٔ آینده میگذراند و خیالات گذشته را در برابر چشمهای خویش هم چنان زنده میدید.

وبعد با همین خیالات خواب بر پلك ها یش‌گرانی میکرد و آهسته آهسته از بیداری چشم می بست...

سالیان غم گرفته و سنگین همچنان بی شتاب میگذرند و رد پای این گذشتن ها در زندگی وی زخم های عمیقی برجا مینهد. با عبور هر بهار اندوه فراوان ومظالم بیشمار در برابر او چهره میگشاید.

هر فصل بی امید برای اوپائیز برگ ریزان است و موسم هجوم یخبندان...

سرانجام آرزو ها و امید های صد ها و میلیون ها انسان دردمند و زحمتکش کشور با پیروزی انقلاب ثور تحقق یافت و آتش‌انتقام هزاران آدم مثل او فرو نشست.

در سال ۱۳۵۹ که موعد خدمت سربازی او فرا رسیده بود در میان سایر سربازان لوای ۳۷ کوماندو ثبت نام کرد و طی همین سالهای خدمت سربازی جمعه بارها به ولایات سفر کرد و سهم شایسته یی در پیروزی عملیات مسلحانه قطعهٔ کوماندو برای تامین امنیت درمحلات ایفاء نمود.

حالا او با چشم خرد وبصیرت باطنی که‌زندگی پر مشقت بوی آموخته است می بیند که دستیاران آتش افروز، برادرکش و سیاهکار از آستین به ظاهر سفید، هر کجا و هرزمانیکه میسر افتد بالا می روند، آنگاه پلها ویران میشود، خانه ها فرو میریزد، خرمن ها تاراج میشود و مزارع به کام آتش می افتد!

جمعه با بودن در جمع سربازان و سفر به محلات دور دست کشور و قتی می بیند که با همت قوای مسلح قریه ها و دهات‌از چنگال ظلم و بیداد رهایی می یابند. دست های سیاهکار از زندگی مردم کوتاه میشوند و سراسر محلات وطن رفته رفته در فضای صلح، آرامش و امنیت زندگی عادی خودرا از سر میگیرند، احساس رضایت و خرسندی میکند واز درك این حقیقت که او جزء همین رزمنده گان راه حق و عدالت‌است ودر مسیر این‌پیکار مشترك نقش قدم های او به طرز برجسته‌یی قابل دید است، بنوع خیالات آرام و رضایت بخش غوطه میخورد ولحظات چند به تفکر فرو میرود و خاطرات دوران نبرد در پیش چشمهای او قرار میگیرند...

* * *

صدای آماده باش با طنین آهنگداری در این نیمه شب آرام خوابگاه سربازان را به تحرك آورده است، بسرعتی که نمیتوان وصف کرد همگی آماده میشوند، لحظهٔ پرواز است، دلها از اشتیاق زندگی لبریز و سرها مست اندیشهٔ آزاد یست. مدتی بعد آسمان بیکران با آغوش گشاده شاهد این هیجان سفر خواهد شد. سربازان کوماندوباسرعت داخل هوا پیماها میروندو غرش سهمگینی بر میخیزد... اینك پرنده گان آهنین بالو آهنین پیکر با صدای گرکننده یی از زمین پا گرفته در شط آبی اما بی خروش و آرام آسمان ،شناورند. خانه ها در نظرگاه سربازان کوچکتر وکوچکتر می نمایند. قله ها با تمام عظمت و تسخیرناپذیری رفته رفته در سینه زمین فرو تر شده. آن بلندای رسا و هیبتناك شان از دست میرود. دره ها در شیب زمین چنان مینماید که‌گویی از عمق به بالا و از عرض به پهنا کشیده میشوند. اینك در اوج پرواز انسان، این‌طبیعت دیوانه. سر کشی وعصیانی ندارد، دریا درآن بستر رود بار پر خم و پیچ، چون آب در زمین دشتها، گویی بازیچهٔ کودکان در فصل باراناست.

ساعتی بعد سر زمین پر باری چون تابلوی سبز و بیکران در چشم انداز و سیع نمایان میشود و ردیف منظم هوا پیماهای نظامی چرخ زنان وارد پهنهٔ این تابلوی تماشایی میگردند، سربازان بانگاه های ذوق زده و عاشقانه از این همه زیبایی و سرسبزی غرق لذت و شادی میشوند، اما در پنجه های مدور هواپیما، دیده بان محدود یست که آن همه اشتیاق تماشا را کفاف نمیدهد.

آنطرف تر در صف سربازان کوماندو، سربازی نشسته یی غرق تفکر است و یگان بار ازآن دریچهٔ کوچك که نزدیك او ست، نگاه حسرت زده خویشرا تا دور دست ها میبرد وباهرچرخ پرواز هوا پیما که رو به نشیب از ارتفاع‌جانب زمین کشیده میشود، رشتهٔ افکار اواز هم می پاشد و باز پیوند میگیرد. سرباز جوان چشمهای نافذی دارد. ورنگ این چشمهاسیاه و تیره یا سبز نیست. چیزی در میان هر دوی این رنگ، امار و شنتر از هردو میدرخشد، صورت سرباز چنان نیست که بتوان گفت چهره استخوانی داردبرخلاف اندام لاغر، صورت او کمی گوشت آلود و پهن می نماید، خطوط پیشانی وچهرهٔ سرباز نشاندهنده آثار زندگی ملال انگیز گذشته است. و قتی به پائین نگاه میکند، در حالیکه سلاح خود را محکم گرفته است آه عمیقی از سینه بیرون میدهد. شاید در مخیله این سرباز تصوری اندوه آفریده باشد، تصور اینکه: ای کاش این پرواز کوماندو بر فراز ولایت غزنی میبود تا او میتوانست ازآسمان غمزدهٔ شهر مقر خانهٔ خویشرا نظاره کند و ببیند مادری در انتظار فرزند چگونه چشم بدر دارد. واز آن بالا ها فریاد بکشد: مادر !مادر! اینك آمدم بیش از این اشك مریز، گریه مکن. جمعهٔ سرباز است، فرزندتو سرباز است.

در کنار این سرباز کوچك تو صد ها و هزاران جمعه باقامت استوار ایستاده اند، همه باهم، بخاطر تو و هزاران مادر داغدیدهٔ وطن، به جنگ سیاهی میرویم، به جنگ آدمکشان...

رشته خیالات کماندوی جوان را فریاد سربازی از هم گسست: «رسیدیم، اینجا لوی ولسوالی خوست است».

سربازان لوای ۳۷ کوماندو با منسوبین لوای ۶۶ یکجا وظیفه دارند مسیر اسماعیل خیل ونادر شاه کوت را ازوجود دشمن پاك ساخته، در ارتفاعات «توری غاړی‌غر» مواضع دشمن را تسخیر نموده، ساکنان محلات مربوط را از دلهره واضطراب ناشی از قتل و غارت مداوم نجات دهند...

آخرین لحظات شب است، سپیده ها آرام آرام از پس کوه ها، قامت میکشند، مدتی بعد فراز کوهستان در پای نور جاری میشود. و راهیان در دل این تاریکی بی دوام با صف طویلی در خط معین روانند، هر سر بازی میداند چه کاری‌بر دوش او ست...

اینك خورشید سر کشیده و مغرور از آن‌بلندی های دور بر جان بیشه های تاریك تیر های بیشمار آتشین فرو میریزد، حالا از تاریکی شب خبری نیست...

دزدان خفته در کمین‌ناگهان از چار سو یورش آوردند و جنگ سختی آغاز گردید. اینجا نزدیك سرحد است، مزدوران بیشماری از آنسوی «مرز» فرا خوانده شده اند.

دشمن در نقاط مرتفع و ستر درختان کوهی پنهان شده، بالای سربازان تیر اندازی میکنند. جمعه و سایر رفقا یش به آتش‌پیهم آنان جواب میدهند، دستهٔ از سربازان در ستر این آتش باید تا نقاط بالائی راه باز نموده، گروپ قبلی سربازان را در حمایت آتش خود بالاتر بکشند. به این ترتیب پیشروی آرام جانب قله ها ادامه دارد.

عده یی بیشماری جانیان از پا در آمده و تعداد سربازان نیز زخم برداشته اند، اما جمعه بی هیچ خستگی وهراس همچنان در جنگ است. نزدیکی های شام که دره خاموش و بی صدا بود، جمعه غرق اندوه کنار جسد بخون آغشتهٔ قوماندان قطعهٔ خویش‌زانو زده، اندیشهٔ انتقام و کینهٔ تسکین ناپذیر نسبت به دشمن احساس میکرد. این نبرد سه‌روز همچنان ادامه یافت و جمعه در کنار سایر سربازان تا توانستند، ضربات مرگباری بر دشمن وارد آوردند. فردای روز چهارم بعد از اجرای مانوری بر مواضع خصم یورش برده کار آنان را یکسره ساختند مدتی بعد در نقطه حاکم اسماعیل خیل محل ترصد ودیده بانی ایجاد گردید و در قسمت اعظم راه و مسیر توری غاړی غر امنیت مستقر شد.

فردای آنروز پیشروی با سرعت ادامه یافت و جمعه همچنان بی‌آرام و پر تلاش، سر گرم نبرد بود...

دامنه های کوه در خاموشی عجیبی فرو خفته است. این سکون و آرامش، چنانست که گویی توفان عظیمی در قبال دارد. فرماندهٔ سربازان اطراف را با تمام دقت زیر نظر دارند. دسته های سربازان رفته رفته به توری غاړی غر نزدیك میشوند. در آن بالا ها مواضع توپ های‌بی پس لگد آدمکشان قرار دارد، آنجا باید تسخیر شود.

در طول راه که مسیر پر پیچ و بلندی دارد، دو سرباز کوماندو با احتیاط گام میگذارند: روز به پایان رسیده است. دامن سیاه شب بزودی گسترده میشود، در دل این هجوم زودرس ظلمت هر دو سرباز با شتاب هوشیارانه یی‌از دامن کوه بالا میروند.

جمعه با آن قامت متوسط وگامهای تند اما بی صدا چون پلنگ زخم خورده یی، خشمگین است. حرفی بزبان نمی راند اما در مورد لازم قصد خویشرا بااشاره مختصر و حالت مردانه، به‌همرزم خویش میفهماند. سراپای این مرد هوش و خرد نظامی و تحرك مداوم شده است. حرکات و طرز رفتار او چنان عمیق، حسابی و در عین حال غیر عادی و عجیب است که آن سر باز دیگر، جز اطاعت از او چاره ندارد. بر خلاف حالات روانی روزمره اینك شیر ژیان است و سلطان بیشه ها. چشمان او در این تاریکی شب مثل شاهینی بهنگام، شکار بصیرت خارق‌العاده، اختیار کرده است. جمعه عقب سنگی بزرگ ناگهان متوقف شد و بعداز آنکه به سرعت چند باردور وبر خود شرا از نظر گذراند، با قامت خمیده سینه زمین را جستجو کرد و بعد مثل اینکه چیزی مهمی در یافته باشد ازجا بر خاسته رو به سر باز دیگر آهسته گفت: «اینجا پوچك دشکه افتاده است». آنگاه با دقت کامل در مسیر معین چند قدمی رو به جلو رفت و خود در حالیکه عقب‌بلندی موضع گرفت، سرباز همرزم خویشرا با اشاره فهماند که جلو برود، آن سرباز هنوز فاصله چندانی نرفته بود که ناگهان آواز «دریش» او را به خود آورد وی با شنیدن این صدا با چابکی خودش را گوشهٔ پنهان کرد، جمعه طی‌همین مدت بم دستی را با مهارت جانب صدا پرتاب کرده‌بود.

برق روشن در خشید و آواز انفجار دره را لرزاند جمعه با مکث کوتاهی بیرون جست و چار دور خویشرا زیر آتش گرفتو این سنگر دشکه باعدهٔ خودفرو ختته ازپا درآمد. فردای آنروز قله ها تسخیر شدند، مواضع دشمن با توپ های بی‌پس لگد آن بتصرف در آمد و آن بلندی ها ازاستیلای غارتگران نجات یافت...

* * *

زندگی و چگونگی کار ورزم سر باز از همان نام سربازی پیدا ست و برای جمعه نیز چنین است. او که در ۲۸۸ عملیات رزمی شرکت داشته است ،خاطرهٔ عملیات پنجشیر را همیشه در برابر دیدگان خویش چنان چشم اندازی ثابتی میبیند:

دستهٔ ده نفری تحت قوماندهٔ عبدالعلی افسر کوماندو در دو آب فرود آمده اند .هیچ چیزی غیر عادی جلب نظر نمیکند.دره‌ها پر نشیب و صخره ها پر هیبت اند. از دو رونزدیك خانه های مسکونی نمودار اند، اما چنان مینماید که گویی ساکنانش به خواب ابدی فرو رفته باشند.

لحظه‌بعد شماری چادری پوش از دور پیدا شدند، آنها از کنار خط باریکی میگذرند و مسیر شان بهمان سمتی کشیده میشود که سربازان قرار دارند. جمعه با خود می اندیشد: نکند، دشمن از همین حیله بهره برده باشد و لی کسی به این امر اهمیت نمی دهد. امااین چادری پوشان چون به نزدیك سربازان رسیدند. ناگهان به مردان مسلحی مبدل شده، جانب سربازان آتش گشودند و با لا فاصله در میان دره جنگ سختی در گرفت.

در این گیرودار قوماندان دسته کوماندو ویك سرباز زخم بر داشتند و بعد از آن قوماندهٔ این دسته که حالا به هشت نفر تقلیل یافته است بر عهدهٔ جمعه قرار گرفت.

چون شب فرا رسید جمعه با همراهان خویش جانب قله مقابل براه افتادند چرا که این محل از چار سو در محاصره قرار داشت. مدتی بعد که این دستهٔ کوچك به نقطه های حاکم آن بلندا دست یافت جمعه. خطاب به‌همراهان خویش گفت: در ۵۰ متری همدیگر موضع میگیریم و هیچ کس نباید مرمی هارا بی‌حساب مصرف کند.

به این ترتیب، آنشب بی هیچ حادثهٔ ناگواری به سحر رسید و آنروز نیزدر انتظار بی نتیجه گذشت، زیرا از این قله که از تفاعی زیادی نداشت، امکان برقراری تماس باواسطهٔ‌مخابره میسر نشد واین دسته همچنان در بلا تکلیفی بسر برد. شب بعد دستهٔ سربازان جدا مانده کوماندو، آن‌محل را ترك گفته به نقطه بلند تری بالا شدند. روی این قله‌که بلندای زیادی داشت، جمعه توانست با وسیله مخابره با قوماندان خویش رابطه برقرار نماید، و فریاد زد: «رفیق قوماندان! من جمعه هستم، گروپ مازنده و سالم اند. ما راهدایت بدهید».

اما قوماندان از آنسوی کوه ها صدای جمعه‌رانمیتوانست تشخیص کند. او تصور میکرد، آله مخابره شاید بدست دشمن افتاده باشد و این آواز ممکنست آواز دشمن باشد. بنابران با چند پرسش رمزی توانست جمعه را بشناسد. وآنوقت هدایت داد از آن قله پائین شوند. بعد از آن جمعه درحالیکه ذوق زده وشادمان بود و آثار آن همه رنج‌واندوه چند روزه را از یاد میبرد، با رفقای همرزم خویش از مسیر یکه قوماندان قبلا برای او تعیین کرده بود. روبه عمق دره حرکت کرد. ساعتی بعد جمعه و همراهان وی درمیان دره قرار داشتند.

قسمتی از راه بی حادثه طی شد اما وقتی به نزدیك خانه های ویرانه یی رسیدند که در کنار دره قرار داشت، ناگهان آتش‌ماشیندار و ثقیل جانب آنان نحر گرفت. جمعه خیال میکرد سربازان کوماندو او را نشناخته اند و بنابران بعد از اندك توقف در حالیکه دسته همراه خویشرا وادار به توقف کرد، خود بااحتیاط دو باره به حرکت در آمد اما این بار نیز فیر ها ادامه یافت. جمعه ناچار ابتداء جانب راست موضع مقابل را هدف گرفت‌و گوشه پنهان شد، اینبار نیز جواب او با حمله مقابل شد، آنگاه جانب چپ را زیر آتش قرار داد و وقتی مطمین‌شدکه‌طرف دشمن است ،بایك ضربه مستقیم آتش کننده را با سلاح وی بر زمین‌انداخت و یکجا بادسته سربازان جمله برد و محل آتش به تصرف در آمد. شب همین جا بسر آمد و فردای آنروز با تخریب تمام دخمه های کنار دره که درآن مغاره ها احتمال موجودیت دشمن بر ذهن میگذشت، جانب دره مکنی همچنان پیشروی ادامه یافت. در طول همین راه پر خم و پیچ، توانایی خارق العاده وقدرت بیش‌بینی خطر، بارها درو جود جمعه به مشاهده آمد وسایر سربازان این قدرت‌ونیروی عجیب او را هر بار تحسین کردند. سرانجام وقتی جمعه با قوماندان خویش مقابل شد، منظره یی ایجاد کرد که مشکل است بتوان نظیر آنرا هر بار مشاهده نمود. قوماندان سر از پا نمی شناخت واین گرد رزمنده را چنان با شتاب در آغوش گرفت و غرق شادی و هیجان گردید که به وصف نمی گنجد. آخراو توانسته بود دو همرزم زخم خورده را با سربازان کوماندو از مسیر حوادث‌خطر ناکی مردانه عبور دهد وباز در کنار قطعه خویش قرار گرفته با عزت افتخار و سربلندی افسرانومنسوبین کوماندو شود...

چنین است روز و شب در گذر از زندگی و چنین است لحظاتی سرنوشت ساز در کار زار رزم مداوم که بر جمعه میگذرد. اما راز این برتری در چه امری نهفته است؟

این خشم ستیزنده که هنگام نبرد در او نیرو و توانایی خارق العاده می آفریند از کجا بر میخیزد؟

وقتی از گذشته ها حرف میزند چشمهای او به طرز آشکاری فرو تر میروندوپلك هایش گرانی میکنند. وقتی از مرگ پدر حرف میزند وباد آن سالهای کودکی را که او در پی لقمه نانی سرگردان شده است، بخاطر می آورد هیچ دیده بینا وهیچ هوش حساسی نیست که نتواند به آن‌آتش خفته‌که‌او درنهاد دارد وموقع یاد آوری ،آهسته آهسته‌در خطوط چهره‌وحالت نگاه او زبانه میکشد ،پی نبرد.

وقتی سخن از ضدانقلاب به میان می آورد، بدون شك گورستان محله را در نظر خویش مجسم می یابد: ارباب را می نگرد، قاتل آن مرد ناتوان را که آنجا ایستاده است، پیکر خونین پدر را میبیند که جانب گورستان برده‌میشود و اما خود جزء گریه هیچ کاری‌از دستش ساخته نیست...

این یاد های غبار آلوده از همان روز های نخستین کودکی و نوجوانی او، از اندوه بی پدر بودن و نیاز مادر شروع میشود، در قامت خمیده و محتاج و آبله دستها و نقش پاهای برهنه و جویندهٔ او ادامه مییابد وسرانجام در خروش آوای پیروزمند انقلاب و سقوط آن نظم ظالمانه پیشین بار ور میگردد واینك در طول سالهای نبرد با ضد انقلاب تداوم فراموش نا پذیری می یابد.

انقلاب بر دست جمعه اسلحه نهاد وازاو که مرد غریبی بیش نبود سرباز و افسری ساخت. بر سینه این افسر نشان هاومدالهای گرانبها آویخت.

جمعه این همه را در برابر خویش زنده و قابل لمس می یابد. اما آن دیدار وآن پیش‌آمد نیك اورا بطرز عجیبی در خود گرفت، لبریز محبت ساخت ودگرگون کرد:

وقتی به او گفتند: «قرار است نزد رفیق کارمل بروی»، با خرسندی عجیبی ازجابرخاست‌واظهار رضایت کرد...

جمعه غرق شادی و هیجان است، ضربان قلب او شنیده میشود و قدم‌هایش تعادل خویشرا از دست داده اند. خون گرم و جوشان در رگهای صورتش میدود، انگشتان دست او بی هیچ اراده، به هرسو حرکت میکند، نشانها و مدالها بطرز چشم گیر و درخشانی روی‌سینه او را پوشانیده و سنگینی بی سابقه اختیار کرده‌اند.

جمعه تصور میکند این ستاره های پرنور برق خیره کننده یی به اطراف پخش میکنند و با زبان حال او را صدا میزنند و از در و دیوار نام جمعه به گوش می آید. او در کنار رهبر خویش حرارت وجود او را احساس میکند. در صدا و سیمای او نام و محبت هزاران جمعه را می بیند که‌باز تاب دلنشینی دارد.

می بیند که در برابر او سلطان و با دار ترساننده و عیبت ناکی نیست. رهبر ورفیق‌غمخواراو ایستاده است.

جمعه ناگهان مرز عمیق وان دیوار بزرگی را که سالیان دیر باز میان توده ها و سلاطین این کشور بر پا بوده است، فرو افتاده می بیند و با خویش می‌اندیشد:

در وجود رهبرانی اینچنین نزدیك و همصدا با مردم روح کلام شکست ناپذیری انقلاب باور میشود...

عبدالله

تجاوز نظامیگران پاکستان علیه قبایل آزاد

دیروز از مناطق قبایلی گزارش دادند

تقبیح اعمال وحشیانه

مردم غیور و شجاع کرم ایجنسی ضمن ابرازهمبستگی با قبایل آزاد خیبر ایجنسی تجاوزات بیشرمانه رژیم مستبد پاکستان را علیه مردم دلیر افریدی و شینوار خیبر ایجنسی محکوم نمودند.

گزارش واصله حاکیست مردم سلحشور کرم ایجنسی طی مظاهرات وسیعیکه کهدر مقابل دفتر پولیتکل سازمان داده بودند اعمال خرابکارانه و ضد انسانی ضد انقلاب افغانی در کرم ایجنسی را محکوم نموده شعار های مرده بادریگن، مرده‌باد ضیاء الحق و زنده باد رفیق ببرك کارمل را بلند نموده بودند.

در پایان این تظاهرات اشتراك كننده گان گردهمایی بزرگی را تشکیل داده که در آن چند تن از سران ومشران کرم ایجنسی پیرامون اعمال ددمنشانه نظامیگران پاکستان و اعمال تخریبکارانه ضد انقلاب افغانی آنجا سخنرانی کرده و آنرا بشدت محکوم نمودند.

در این میتنگ از رژیم پاکستان خواسته شد تااز اعزام باند های خرابکار در کرم ایجنسی که سبب آزار و اذیت مردم آنجا میشود جداً جلو گیری بعمل آورده و همچنان نیرو های متجاوز خویش را از خیبر ایجنسی خارج سازند.

آنها از رژیم استبدادی و منفور اسلام آباد خواسته اند هر چه زودتر از دادن راکتهای زمین به زمین که از مناطق مختلف توسط ضد انقلاب فیر میشود و سبب نا آرامی در کرم ایجنسی گردیده خود داری بعمل آید.

آنها اخطار داده اند در صورتیکه رژیم مستبد پاکستان مطالبات کرم ایجنسی را تحت اجرا قرار ندهد دست به اقدامات عملی خواهند زد و در آن صورت عواقب وخیم آن بدوش رژیم منفور پاکستان خواهد بود.

ضربات بر پیکر ضد انقلاب

در اثر انفجارات و حملات مسلحانه مردم قبایل آزاد در کرم ایجنسی و خیبر ایجنسی تلفات جانی بیشتر به ضد انقلاب وارد شده است.

به اساس گزارش واصله دفتر باند جمعیت اسلامی در پاره چنار مرکز کرم ایجنسی در اثر انفجار یك بم به کلی منهدم گردیده‌وخسارات زیادی بار آورده است.

همچنان چندین عراده موتر مربوط با ند های ضد انقلاب در کمپ خردند نزدیك تحصیل بازار سده و کمپ دموشار توسط جوانان‌دلیر قبایل آزاد منفجر ساخته شده که در نتیجه آن چهل و هفت تن از عناصر ضد انقلاب کشته و تعدادی هم زخمی گردیده اند.

طبق یك گزارش دیگر اخیرا جوانان کرم ایجنسی خیمه های ضد انقلاب‌افغانی را دردره گودرپره خمکنی مورد حمله مسلحانه قرار داده تعدادی ازین خیمه ها را به آتش کشیدند که در اثر آن تلفات جانی و مالی به ضد انقلاب وارد گردیده‌است.

باختر



برادران قبایل‌آزاددرمبارزه‌علیه رژیم تجاوزگر پاکستان تنها نیستند.
در عکس : گردهمایی‌اهالی‌لوی ولسوالی شینوارکه طی‌آن همبستگی خودرا بابرادران قبایلی ابراز داشتند.
عکاسی هاشم نذیر

گسترش جنایات

مبصر سیاسی آژانس اطلاعاتی باختر مینویسد :

رژیم مستبد ضیاء الحق با زیر پا نمودن تمام نورمهای حقوق بشری سه ماه قبل حمله خونین نظامی را برقبایل آزاد خیبر ایجنسی براه انداخت وهمچنان به کشتار کودکان، جوانان، زنان و پیر مردان بیگناه قبایل افریدی وشینوار ادامه میدهد.

در طی این حمله نظامیان رژیم اسلام آباد که از تاریخ ۳ دسامبر ۱۹۸۵ در خیبر ایجنسی آغاز یافته است بیست هزار عسکر رژیم ضیاء الحق به شیوهٔ جنایتکاران اسرائیلی در لبنان برای از بین بردن دلیران افریدی و شینوار از تانکها و طیاره های عصری و سلاح ثقیله بصورت وحشیانه استفاده نموده اند و هنوز این وحشیگریهای رژیم علیه مردم بی دفاع خیبر ادامه دارد.

تا اکنون صد ها دلیرمردان افریدی، هزاران طفل، زن‌و پیر مرد آنها قتل عام گردیده اند و بیش از بیست وسه قریه ویك هزار خانه قبایل افریدی و شینوار بخاك یکسان گردیده است.

در اثر مظالم رژیم خون خوار ضیاء الحق تعدادی ازین مردم معصوم و بیگناه به جمهوری دموکراتیک افغانستان پناه آورده اند و از حکومت مستبد ضیاء الحق طی بیانیه ها، اعلامیه ها و سخنرانی های خویش خواستار هر چه زودتر پایان بخشیدن به قتل وویرانگری در مناطق آزاد پشتو نها گردیده اند.

رژیم ضیاء الحق تا اکنون آنچه در مناطق خیبر ایجنسی علیه دلیر مردان افریدی و شینوار انجام داده است خلاف موازین حقوق بشر و قوانین قبول شدهٔ بین المللی میباشد.

حکومت ضیاء الحق که در انجام هیچ کاری بدون‌مشورهٔ اداره واشنگتن ازخودصلاحیت ندارد بدستور امپریالیزم ایالات متحدهٔ امریکا حقوق و

چگونه حقوق بشر زیرپا گذارده میشود

آزادیهای عنعنوی وقبول شدهٔ تاریخی قبایل پشتون آزاد را زیر پا مینماید. تعزیرات اقتصادی و مواد غذایی راعلیه مردم منطقه وضع مینماید، به قتل و کشتار مردم اعم از زنان، اطفال و پیر مردان افریدی و شینوار میپردازد و ده ها جنایت دیگر را علیه این مردم بی دفاع مرتکب میشود.

ولی خان کوکیخیل افریدی اخیراً طی مصاحبه ای گفت: ضیاء الحق بمراتب بیشتر از استعمارگران انگلیس حقوق بشری و آزادیهای مردم دلیر قبایل را نقض نموده است.

سوال اینجاست که ادارهٔ واشنگتن که در عرصهٔ بین‌المللی خودرا به اصطلاح‌مدافع حقوق بشر وآزادی در جهان جا میزند چرا در مورد قتل عام وخونریزی وحشیانه رژیم اسلام آباد به سکوت متوسل شده است.

وحشیگری های‌رژیم اسلام‌آباد بازیر پا نمودن حقوق انسانی مردم افریدی و شینوار نظیر تجاوز رژیم های اسرائیل وبربریزیا بر حقوق بشری خلقهای عرب و افریقا‌تاکنون بی سابقه میباشد.

رسانه های گروهی ادارهٔ ریگن ومتحدین وی حوادث خونین خیبر را با اتهامات بی‌اساس طوری از انظار وافکار جهانیان پنهان‌میدارند که گویا در خیبر ایجنسی هیچ حادثه مهمی رخ نداده است. امادر عوض حوادث را در جمهوری دموکراتیك افغانستان با جعل ودروغ برای مغشوش نمودن اذهان جهانیان تحریف میکنند.

رژیم مستبد ضیاء الحق طوریکه خود مردم پاکستان بارها آنرا تایید نموده اند بمثابه مدافع منافع امپریالیزم ایالات متحدهٔ امریکا نه مدافع منافع خلق پاکستان عمل مینماید وبه سر کوبی جنبش های آزادی بخش پاکستان و منطقه وسیعاً می پردازد.

واقعیت امر اینست که دست خونین اداره واشنگتن در جنایات رژیم ضیاء الحق علیه مردم بی دفاع افریدی وشینوار که خلاف ارادهٔ مردم پاکستان اعمال میگردد، مستقیماً دخیل است وروز تا روز ابعاد گسترده ترمی‌یابد.

امپریالیزم ایالات متحدهٔ امریکا ورژیم ضد مردمی ضیاء الحق در همدستی سر دسته های باند های‌ضدانقلاب افغانستان که در قلمرو پاکستان لانه کرده اندمسوول همه جنایات ضد انسانی و پایمال نمودن آزادی و حقوق انسانی قبایل آزاد، میباشد وباید به آن جواب بدهند.

حملهٔ خونین نظامی برقبایل‌که با مقاومت قهرمانانه قبایل خیبر ایجنسی روبرو گردید مبین این واقعیت است.

حقایق و چشم دیدها

خیال واهی ضیاء

مولوی حبیب الله مومند رئیس جمعیت العلمای خیبر ایجنسی در رابطه به تجاوز اردوی مزدور پاکستان به خیبر ایجنسی چنین گفت :

برهمگان روشن است که حکومت استبدادی پاکستان در تلاش آنست تا مناطق قبایل آزاد راتحت کنترول خود در آورد وجنبش پشتونهارا در هم شکند واز بین ببرد ولی پشتونها همواره به‌تجاوزگرانی که بر سرزمین آنان حمله ور گشته اند چنان‌پاسخ دندان شکن داده‌اند که تا زنده اند فراموش نخواهند کرد.

جنرال ضیاء این غلام‌حلقه بگوش امپریالیزم امریکا نیز چندی پیش به تجاوز مسلحانه برقبایل آزاد پرداخت و از این گستاخی اوبرمی آید که‌او هنوز ضرب مشت پشتون‌ها راندیده‌است. حالا که ضیاء الباطل درخیبر ایجنسی برقوم آزاد افریدی وشینواری، شلمان، وملاگوری ناگهان حمله نمود وخواست تا مقاومت آنان راسرکوب کند و اتحاد واتفاق قبایل آزاد را از هم بپاشد. زیرا در جرگه عالی قبایل منعقده کابل قبایل سرحدی پشتیبانی عام‌وتام شانرا از دولت انقلاب افغانستان اعلام نمودند وفیصله شدکه دیگر نخواهند گذاشت از مناطق قبایل آزاد به حیث تخته خیز تجاوز علیه افغانستان انقلابی استفاده شود. جنرال ضیاء از همینرو به‌بهانه هیروئین‌بر خیبر ایجنسی تعرض نمود.

زیرا جنرال ضیاء از اتحاد واتفاق قبایل به دلهره‌افتاده است ومیخواهد این مشت‌واحد راازهم بپاشد.

در حالیکه به گفته شاعر «این خیال است و محال‌است وجنون.» وضیاء هرگزنخواهد توانست این خیال واهی خود راجامهٔ عمل بپوشاند.

ما مطمئن هستیم که جنرال ضیاء باتمام قوای مزدورخود نخواهد توانست مقاومت دلیران خیبر را در هم شکند زیرا خیبر تنها نیست.

مصاحبه کننده: سلیم

در مسیر مبارزات مشترك

اکنون که موج نیرومند مبارزات مردم آزاده، و دلیر قبایل آزاد سر تا سر مناطق قبایل نشین رادر بر گرفته و توفانی از خشم مقدس این شجاعان به خاطر دفاع از سر زمین های مقدس، شرف، عزت و آزادی عنعنوی آنها علیه استبداد طراز فاشیستی‌رژیم مزدور پاکستان روز تاروز شدت و حدت کسب میکند. ضروریست و لو فشرده هم، پس منظر تاریخی و سمت‌های آینده این مبارزات را درشرایط کنونی به ارزیابی بی‌گرفت.

قبایل کشور در مسیر تاریخ پر از خم و پیچ طی هزاران سال خاصتا در طول تاریخ سه هزار سال اخیر، پیوسته در برابر مهاجمین اجنبی و نیرو های استعمارگر مقاومت و پایداری نشان‌داده وهیچگاهی تن به اسارت این ویاآن نیروی نداده اند.

موضوع دیگری که باید روی آن عمیقا اندیشید، این است که قبایل همواره با خلقهای افغانستان پیوند برادرانه داشته و هیچ قدرت اهریمنی نتوانسته است ،این پیوند ارگانیك برادری را مخدوش سازد.

مبارزات خلقهای افغان درو جود تمام فرزندان‌صدیق همه اقوام، قبایل و ملیت های‌ساکن‌درکشور ومردم‌قبایل نه تنها در توالی تاریخ وجوه مشترکی داشته بلکه اکثراً داعیه مشترکی داشته است.

تاریخ را ورق میزنیم: در قیام ها و مبارزات‌مسلحانه قهرمانانه مردم افغانستان خاصتاً در سه جنگ آزادی بخش عادلانه آنها علیه استعمار و امپریالیزم ضربات مرگباری بر نیرو های‌استعمار وارد آمد.

درین نبردها رزمقهرمانانه مردم قبایل از چترال تا بلوچستان و فراتر از آن در هر دوطرف «مرز» گواه آن است که خلقهای افغانستان ومردم قبایل چون تن و مشت واحدی بر ضد تجاوزگران رزمیده اند. اگر به آثار تمام مورخین واقعبین درین مورد مراجعه کنیم‌اسناد موثقی وجود دارد.

در نبرد خلقهای هند که تا کسب آزادی آن به‌طور متاادی بنحوی از انحا علیه تجاوزگران اروپایی ادامه داشت. جای مردم‌قبایل در آن خالی نبوده است.

باید خاطر نشان ساخت‌که جنبش آزادی خواهی مردم هند تحت رهبری مهاتماگاندی وجواهر لعل نهرو بامبارزات مردم قبایل‌بخاطر آزادی، پیوند ناگسستنی دارد.

خصوصیت دیگر، و در واقعیت امر خصوصیت‌بسیار مهم مبارزات ضد استعماری وضد امپریالیستی مردم‌قبایل این بوده واست که چون حصار غلبه ناپذیری علیه تجاوزگران بر سر زمین مقدس افغانستان استاده‌گی کرده و حتی با ریختاندن خونهای خود در راه ایفای‌تعهد نجیبانه برادرانه شان با مردم‌و خلقهای افغانستان، از هیچگونه فداکاری‌وایثار دریغ نکرده اند و نمی کنند.

اینکه سلاطین و امرای جباردر افغانستان با چه خدعه، فریب و ریاکاری، این وحدت برادرانه رابین خلق های افغانستان ومردم قبایل نقب گذاری کرده، برای تجارت و معامله گری‌بیشرمانه ونگین سیاسی نموده و دست آورد مبارزات آنها رااز عقب با دشنه های خونین جریحه دار ساخته اند وحتی مذبوحانه تلاش کرده اند بین اقوام و قبایل و ملیت های ساکن در دوطرف «مرز» فاصله ایجاد کنند، نیاز مند بحث وسیع و همه جانبهٔ جداگانه است که بااطمینان مؤرخان و محققین کشور روی آن در آینده به بحث خواهند پرداخت.

باید تصریح نمود که علی الرغم معاهده ننگین گندمك (۲۶ می ۱۸۷۹) «سیا لکوت، پشین‌کندهار تا جبل کوژك، علاقه کرم‌تا ابتدای جاجی و دره خیبر تا بکنار شرقی هفت چاه ولندی کوتل به انگلیس واگذار شد.» و معاهده‌ایکه برحسب آن‌خط نامنهاد دیورند به اصطلاح مرز بین پاکستان وافغانستان مشخص گردید‌باز هم ازوحدت برادرانه‌ومبارزات مشترك خلقهای افغان و‌مردم قبایل دوطرف «مرز» جلوگیری صورت گرفته نتوانست و غم و شادی آنها، کماکان مشترك‌واز یکدیگر واز هر دوباقی ماند.

باپیروزی انقلاب شکوهمند ثور و مرحله نوین آن‌نه باین حساب که مردم قبایل در دفاع قهرمانانه مشترك از انقلاب افغانستان بمثابه نیروی متحد نوین قرار گرفتند، بلکه باین محاسبه که انقلاب، آینده سعادتمندرا برای آنها اهم فراهم می آورددرسنگرواحدی در برابر تجاوز امپریالیزم صف آرایی مینمایند. سرنوشت مردم قبایلی با انقلاب ثورگره خورده و به بیان روشنتراز این، آنها آگاهانه‌در مقیاس امکانات خود، وارد عرصهٔ نبرد ضد امپریالیستی شده اند.

رفیق ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان، ورئیس شورای انقلابی ج.د.ا، در بخشی از بیانیهٔ اساسی پر محتوای شان در جرگهٔ عالی قبایل در رابطه با اینکه قبایل آزاد از جمله قبایل پشتون چه پیوند های گسست ناپذیری با مردم‌افغانستان دارند چنین گفت:

«با صراحت اعلام میدارم که حق تعیین سرنوشت همه افغانها، به خصوص ملیت پشتون، صرف نظر از اینکه در کدام منطقه زندگی میکنند جدا از وطن واحد و مشترك ما افغانستان مطرح شده نمیتواند ....» بدینگونه می بینیم که زعامت انقلابی کشور به موضوع چگونه مینگرد و آن را بدرستی و واقعبینی به ارزیابی می‌گیرد.

نقش قبایل در دفاع از سرحدات وطن دارای اهمیت بزرگیست، آنها که همین اکنون شجاعانه در برابر تجاوزات مزدوران پاکستانی و ضد انقلاب افغانی از سرحدات ج.د.ا. دفاع مینمایند.

جنبش کنونی سر تاسری دایر بر محکوم ساختن سیاست ظالمانه توسعه طلبانه و ریاکارانه حکومت پاکستان ودر حقیقت امر تقبیح سیاست امپریالیزم امریکا توسط قبایل آزاد وقیام آنها علیه رژیم طراز فاشیستی پاکستان مبارزه ایست، ضداستعماری ضداستبداد وضد سیطره‌جویی بر مبنای همین خصوصیت این مبارزات، باید باتامل و عزم انقلابی محمل های عینی آنرا درتمام استقامتها و جهات در محراق توجه قرار داد. و بر مبنای آن عمل نمود تاباًلاتر از یکسو امکانات رشد همه جانبه قبایل‌هرچه‌بیشتر توسعه یابد واز جانب دیگر پلانهای شوم دشمنان در رابطه با مبارزات مردم قبایل عقیم ساخته شود.

دگروال غلام سخی اتمر

اخبار خارجی، واقعیتها، حوادث

۲۷ مین کنگره ح.ک.ا.ش

ارتقای سطح زندگی زحمتکشان

عالیترین هدف مرامی حزب کمونیست اتحاد شوروی و محور تمامی پلانهای اجتماعی آن کشور، بهرشد زمینه های هرچه بیشتر رفاهیت زندگی زحمتکشان اتحاد شوروی وقف شده است. بر بنیاد این پلانها و اجراآت عملی که صورت میگیرد، ارتقای سطح زندگی ورفاه مادی خلقهای اتحاد شوروی به طور مداوم وبلاوقفه ادامه می یابند و به ازدیاد عاید خالص ساکنین اتحاد شوروی، افزایش تولید اجناس استهلاکی و تهیه مسکن و غیره به طور جدی توجه دایمی معطوف میگردد.

در حالیکه معاش اهالی اتحاد شوروی پیوسته افزایش می یابد، نرخهای اکثریت اجناس و خدمات طی سالیان متمادی در یک حالت و به صورت ثابت نگهداشته شده است، مثلا نرخ گوشت و شیر از سال ۱۹۶۲ و نرخ نان، حبوبات، روغن نباتی، قند و سایر مواد خوراکی از سال ۱۹۵۵ باین طرف تغییر نیافته است، کرایه برق، گاز، مرکز گرمی، تیلفون، کرایه ترانسپورت مترو پس از سال ۱۹۴۸ تغییر نخورده است، کرایه اپارتمان از لحاظ ثبات خود ریکورد قایم نموده و از سال ۱۹۲۸ تا اکنون بلا تغییر باقیمانده وفقط سه الی چار فیصد بودجه خانواده کار گری را احتوا مینماید.

دولت شوروی هنگام نرخ گذاری اجناس و تعیین کرایه خدمات اجتماعی، نه تنها قیمت خود جنس را بلکه اهمیت همگانی آنرا، مدنظر میگیرد، بهمین علت است که در اتحاد شوروی بسیاری اجناس از قیمت اصلی آن به نرخ کمتر عرضه میشود. طور مثال نرخ گوشت، شیر و لبنیات وانواع مختلف ماهی و محصولات ماهی در حالیکه رقم تولید وتهیه آن هر روز بیشتر می گردد، به قیمت نازلتر نرخ گذاری و عرضه میگردد، خساره وارده ناشی از تنزیل این قیمت ها را دولت جبران میکند.

همچنان در اتحادشوروی برای رشد تعلیم و تربیه مجانی، تامین صحت عامه مجانی، پرداخت مدد معاش و معاش تقاعدی، اعانات، رخصتی های سالانه، پرورش سالم کودکان که به حیث گنجینه گرانبها، در اتحاد شوروی از مواظبت دایمی وهمیشگی دولت بر خوردار است صورت می گیرد، در شیرخوارگاه، کودکستان ها، پرداخت تادیات وامتیازات جداگانه برعلاوه معاش اصلی که توسط صندوقهای مصرف اجتماعی تخصیص یافته به اتباع آنکشور توزیع میگردد.

فرد شوروی مطمین است که مصرف تداوی مریضی او هیچگونه تاثیری رابالای رشد رفاه مادی خانوادگی نمی گذارد زیرا به هر اندازه که مصارف معالجه مریضی آن گراف باشد، از طرف دولت به صورت رایگان پرداخته و تداوی میشود.

در متن جدید برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی، برای رشد هرچه بیشتر سطح زندگی و رفاه مردم اتحاد شوروی وظایف جدید گذاشته شده وبه آن مشخصه کیفیتاً نوینی را در جهت رفاهیت خلق شوروی تأمین و رشد سطح استهلاک نعمات مادی، اجتماعی و فرهنگی که بتواندجوابگوی اهداف پرورش و رشد شخصیت همه جانبه خلق شوروی باشد، داده شده است.

در برنامه جدید حزب کمونیست اتحاد شوروی برای تحقق تدابیر بزرگ عملی در امر ایجاد شبکه های خدمات دایمی و پیشرفته، افزایش حجم و بالا بردن کیفیت خدمات به منظور ارضاء و دسترسی هرچه کاملتر به نیازمندی های مردم در حالات مختلف خدمات اجتماعی چون تدویرومراقبت منزل، ترانسپورت، سهولت در امرانجام امورات منزل، ایجاد شرایط بهتر استراحت واستفاده پر محتوا ازاوقات فراغت فرد شوروی دست گرفته شده است.

حزب کمونیست اتحاد شوروی همچنان تصمیم حل مساله مسکن را یک امر دارای اهمیت خاص اجتماعی تلقی نموده و مصمم است که تاسال دو هزار، هر خانواده شوروی سر پناه مستقل اپارتمان و یا خانه شخصی داشته باشد.

اکنون در جامعه شوروی شعار همه چیز به نام انسان، همه چیز به خاطر رفاه انسان یک ایده آل نی بلکه به یک واقعیت زنده درزندگی خلق شوروی مبدل شده است. برنامه جدید حزب کمونیست اتحاد شوروی بر مبنای تسریع رشد اجتماعی، اقتصادی وتکامل همه جانبه سوسیالیزم، پیشرفت و ارتقاء روز افزون جامعه شوروی رابه سوی کمونیزم رهبری نموده که در آن خلق شوروی از نعمات مادی دستاورد های عظیمی که در نتیجه تلاشهای هدفمند خویش بدست آورده، به خاطر رفاه همگانی و ارتقاء سطح زندگی باز هم بیشتر و متکاملتر مردمان شوروی مورد استفاده قرار می گیرد.

هدایت گواه

ساکنین شهر صوفیه بخاطر طرفداری از صلح، دیتانت و پشتیبانی از سیاست صلح جویانه حزب ودولت خود گردهمایی بزرگی تشکیل دادند.

عکاس: کولیوف

گشایش کنگره

سومین کنگره حزب کمونیست کیوبا پیروز در قصر کنگره های هاوانا گشایش یافت.

دراین کنگره ۱۷۹۰ نماینده کمونیستان کیوبا وبیش از ۲۰۰ هیات خارجی شرکت ورزیده اند.

کنگرهٔ مذکور نتایج کار های راکه توسط حزب و تمام کشور طی مدت پنج سالیکه از دومین کنگره حزب کمونیست کیوبا بدینسوانجام یافته ارزیابی وجهات جدید ساختمان سوسیالیستی را معین خواهد ساخت.

در کنگره توجه زیاد بهبحث وتصویب رهنمود های عمده انکشاف اقتصادی،اجتماعی کشور درسالهای ۱۹۶۸ — ۱۹۹۰ برنامه بیش نوین حزب بعضی تحولات درقوانین حزب وسایر اسناد مهم دیگری در رابطه باجنبه های مختلف زندگی در جمهوری کیوبا معطوف میگردد.

راول کاسترو منشی دوم کمیته مرکزی حزب کمونیست کیوبا معاون اول رئیس شورای دولتی وشورای وزیران جمهوری کیوبا کنگره را رسما افتتاح کرد.

وی بیانیه مختصری را در گشایش کنگره ایراد نموده مهمانان خارجی کنگره را صمیمانه خوش آمدید گفت.

نمایندگان مردم اجندای کنگره وطرز العمل کار آنرا بهاتفاق آراء تصویب نمودند.

باختر

نتیجه سیاست وحشیانه

سه ملیون فلسطینی در حال حاضر درخارج از سرزمین اجدادی شان بسر میبرند. در حالیکه بیشتر ازیک ملیون ونهصد هزار نفر ازفلسطینی هادر شرایط تحت اشغال زندگی میکنند.

این رقم ها [illegible] در نتیجه یک تحقیقی روشن شده که از طرف [illegible] امور اقتصادی [illegible] فلسطین در [illegible] به نشر رسیده است.

آژانس خبری فلسطین به قول [illegible] این تحقیق گزارش [illegible] در حال حاضر [illegible] هزار فلسطینی در مناطق [illegible] عربی [illegible] پنجصد و [illegible] هزار نفر آن [illegible]

ششصد و هفت هزار فلسطینی در قلمرو های جاگزین [illegible] که از طرف تجاوز گران اسرائیل در سال ۱۹۴۸ اشغال گردیده [illegible]

اوراق [illegible] که پنجصد و پنجاه هزار عرب درنتیجه تجاوز ماه جون سال ۱۹۶۷ سرزمین اجدادی شان را ترک گفته اند.

بیشتر از نصف آنان مجبور گردانیده شده اند تا وطن شان را ترک گویند در حالیکه [illegible] دیگر مجبور بودند در نتیجه سیاست وحشیانه که از طرف مقامات اسرائیل علیه آنان دنبال گردید انجبارا ترک گویند.

باختر

برنامهٔ عظیم صلح

راه رهایی انسان

پلان رفیق میخائیل گرباچف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی جهت نابودی ذخایر ذروی تا ختم قرن راه نجات انسان را ازیک فاجعه ذروی نشان میدهد. این مطلب را رفیق ویچیخ یاروزلسکی منشی اول کمیته مرکزی حزب متحد کار گری پولند ورئیس شورای دولتی آنکشور طی سخنرانی در کمیته مرکزی آن حزب پیروز اظهار داشت.

وی علاوه کرد پولند از ابتکارات عظیم تاریخی اتحاد شوروی حمایت قاطع مینماید.

باختر

ملاقات دوستانه

رفیق اندری گرومیکو عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی پریروز در کریملین سایروس وانس یک چهره شناخته شده اجتماعی امریکا سیاستمدار برجسته و سابق وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا را برای ملاقات پذیرفت رفیق اندری گرومیکو توجه مهمان رابه برنامه اتحاد شوروی برای محو کامل و جهانی سلاح ذروی که در اعلامیه مورخ ۱۵ جنوری رفیق میخائیل گرباچف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی فورمولبندی شده، جلب نمود.

از جانب اتحاد شوروی تاکید بعمل آمد که ختم ازمایشات سلاح ذروی گام نخستین و مهمی در جهت محدود ساختن مسابقات تسلیحاتی خواهد بود.

رفیق اندری گرومیکو تاکید کرد ابتکارات صلح شوروی با تایید حکومات بسیاری کشور ها و توده های وسیع روبرو شده است.

ملل جهان از زعامت امریکا انتظار دارند تا در رابطه با همکاری سازنده روی این مسایل بسیار مهم اراده سیاسی خود را تبارز دهد. اداره واشنگتن بارها علاقمندی خودرا بخاطر نابودی سلاح ذروی اعلام نموده و اکنون اتحاد شوروی برایش این فرصت را آماده ساخته که نه به کلمات محض بلکه واقعاً دراین پروسه سهم گیرد.

سایروس وانس ازابتکار جدی صلح شوروی باقدردانی یاد آوری نموده گفت که این اقدام وی را متحسس ساخته است او خواهان جستجوی سریع موافقات بخاطر نابودی کاملا سلاح ذروی شده گفت از نظر وی اداره ایالات متحده امریکا باید بخاطر آغاز مذاکرات مشخص و جدی پاسخ مفصل وتازه و ماده وار ارائه کند.

باختر

به قلم مبصر ما

بخاطر نجات از پرتگاه هسته یی

حل مسایل مبرم و دشوار عصر ما که امر نابودی وزنده ماندن بشریت را در سدهٔ هسته یی مورد پرسش جدی قرار میدهد، بهمساعی بزرگ و مشترک جانبداران صلح ودیتانت سیاره ما نیاز دارد. باتوجه به این امر اعلامیه صلح اتحاد شوروی را که در سه مرحله (کاهش دوبرابر سلاح هسته یی ایالات متحده امریکا و اتحاد شوروی که توانایی اصابت به قلمرو های یک دیگر را دارند، شرکت متباقی قدرت های ذروی دربرنامه خلع سلاح، امحای کلی سلاح های باقیمانده هسته یی الی سال ۲۰۰۰ و حصول توافق بین المللی پیرامون عدم تولید مجدد این اسلحه) خلاصه میگردد، میتوان از جمله پیشنهادات خارق العادهٔ صلح قرن بیستم خواند.

پیشرفت در ساحات عملی این گام تاریخی که ازاهمیت ویژه نزد جهانیان برخوردار است، زمینه تحولات قاطع را جهت سالم شدن اوضاع حاد بین المللی فراهم میسازد، امنیت خلقهای جهان و بهبود وضع موجود بین المللی مستلزم اقدامات مثبت و فوری کلیه دول دارنده سلاحهای امحای جمعی نظیر اقدامات صلح اتحاد شوروی در لحظه کنونی است. هرگاه سایر قدرت های هسته یی منجمله ایالات متحده امریکا با درک مسوولیت عظیم و تاریخی شان در تعیین سرنوشت بشر به اعلامیه اخیر رفیق میخائیل گرباچف رهبر اتحاد شوروی پاسخ مثبت ارائه نمایند، بدون تردید فضای سالم اعتماد متقابل میان دول هسته یی ایجاد گردیده و به رقابت ها در زمینه توسعهٔ زرادخانه های هسته یی که عواقب جبران ناپذیر را بدنبال دارد، پایان داده خواهد شد. اتحاد شوروی با اتخاذ تصامیم نهایت عمده در زمینه ایجاد تفاهم متقابل بر اصول تساوی وامنیت یکسان، پیگیرانه سیاست انعطاف پذیری خود راتبارز میدهد.

ولی با تاسف ابتکارات صلح اتحاد شوروی نه تنها تاکنون باعکس العمل مثبت رهبران قصر سفید مواجه نشده، بلکه حکومت ایالات متحده امریکا با موضعگیری غیر عاقلانه در زمینه عرصه های توافق راهرچه تیره تر میسازد.

طور مثال درگیری های منطقوی و بستر های جدید منازعات جهانی همیشه در دقایق بروز نموده و شدت بیشتر کسب مینمایند که شرایط نایل آمدن به توافق پیرامون اتخاذ تدابیرامنیتی در جهان مساعد گردیده وعلایم بهبودی در مناسبات اتحاد شوروی با ایالات متحده امریکا بمشاهده رسیده است.

اتحاد شوروی بارها به صورت مستقیم از حکومت ایالات متحده امریکا دعوت بعمل آورده است تا با درک آرمان صلح میلیونها انسان سیاره ما در جهت رفع تهدید جنگ هسته یی و تقویت ثبات استراتیژیک جهان موضع سازندهٔ را اتخاذ نماید.

ولی بر عکس ایالات متحده امریکا با تعقیب «استراتیژی نوین» در سیاست خارجی خود که بر بنای سیاست ضد شوروی و کسب تفوق نظامی بر این کشور استوار است، منازعات منطقوی و جنگ های «محلی» بیشتر اعلام ناشده را اشعله ورترساخته و کانون داغ تشنجات بین المللی را داغ تر میسازد.

«مکوره (استراتیژی نوین)» ایالات متحده امریکا در واقعیت همان رده های کهنهٔ امپریالیزم اند که ادارهٔ ریگن باتعقیب آن در سیاست خارجی خود رابه اصطلاح حق به جانب میداند تابخاطر «نابودی» اتحاد شوروی در هر نقطه از جهان که خواسته باشد «نظم بر قرار نماید».

تطبیق به اصطلاح کشف های بزرگ و مکوره های نوین در سیاست خارجی ایالات متحده امریکا، هرنوع امکانات حصول توافق در مذاکرات پیرامون عادی ساختن اوضاع بین المللی را که در دقایق فعلی از اهمیت حیاتی بر خوردار اند، دربند محاصره میکشانند.

سیاست اصولی اتحاد شوروی در برابر موضع خطرناک وخود خواهی های واشنگتن از موثریت اقدامات عالی، مساعی صلح آمیز و قاطعیت این کشور در زمینه تحکیم همکاری های بین المللی و نیرومندی اعتماد میان خلقها ناشی میگردد.

اضطراب به فردای بشریت و آینده کودکان که در قلوب جهانیان راه یافته است به هیچ صورت نخواهد گذاشت تا خلقهای جهان زمام سر تسلیم به تهدید هسته یی فرود آورند وخود قاتلین کودکان خود باشند. مدافعین صلح باید به این امر نایل آیند تا با اتکاء بر اصول همزیستی مسالمت آمیز، مسایل مبرم عصر ما را بدون کاربرد هرنوع سلاح امحای جمعی ودر قدم نخست تسلیحات هسته یی حل نمایند.

موسکا

اوج تشنج

در اثر انفجار بم نیرومندی در عمارت یک دفتر در بخش [illegible] حد اقل [illegible] نفر [illegible] و [illegible] نفر دیگر زخمی [illegible]

این حادثه که [illegible] پیرزوه رخ داد [illegible] طی [illegible] در بخش مسیحی [illegible] بوده است.

وقوع این انفجار ها مبین بالا گرفتن تشنج و ادامه مبارزه جهت کسب قدرت در جامعه مسیحیان لبنان بحساب میرود.

باختر

اخبار خارجی، واقعیت‌ها، حوادث

جعلیات وقیحانه وبیشرمانه

مفسر سیاسی آژانس اطلاعاتی باختر می‌نویسد: اتهامات، دروغ پراگنیها و جعلیاتیکه از جانب غرب بمنظور تحریف روابط بین ج.د.ا. و اتحاد شوروی وبه خاطر وارونه جلوه دادن این روابط در تبلیغات خصمانه بکار گرفته میشود باگذشت هر روز ابعاد گسترده تری کسب میکند بخصوص در این زمینه‌درآنطرف اوقیانوس ها سعی و تلاش جدی بخرچ داده میشود، هیچ روزی نیست که نه تنها وسایل اطلاعات جمعی بلکه رجال عالی رتبه اداره ایالات‌متحده امریکا در این مورد به‌اتهامات دروغین نپردازند.

در بین موضوعات طرف علاقه آنها یکی هم اینست که گویا روسها تلاش می ورزند تا همه هستی افغانستان اعم از تاریخ، فرهنگ عنعنات، دین وسنن‌خانواده‌گی را از بین ببرند، مخترع این افترا آت یکی هم جان وایت هد معاون اول وزیر خارجه ایالات متحده امریکا میباشد.

جیفری هاو وزیر امور خارجه انگلستان برای آنکه از حریف بزرگتر خو عقب نمانده باشد با صطلاح ((تخریب میتودیکی‌ساختار عنعنوی جامعه افغانستان)) را عنوان میکند. سوال می شود که، این دایه های مهربانتر از مادر در باره کدام ساختار عنعنوی جامعه افغانستان سخن میرانند؟

آیا آنها بیاد آن ایام‌اشک تمساح میریزند که افغانستان از لحاظ سواد درجهان در مقام یکصدو بیست وهفتم و از نگاه وفیات اطفال درمقام اول قرار داشت، چنانچه از جمله هر هزار نوزاد دو صد طفل قبل از تکمیل سن یک سالگی می مردند.

افغانستان انقلابی حق دارد با قاطعیت و یکبارگی به این چنین عنعنات و عقب ماندگی خاتمه بخشند، اتحاد شوروی در این مساعی جامعه به انقلاب ثور از بذل هیچ نوع کمك و همکاری دریغ نمیورزند. به حقایق رجوع میکنیم بعد از انقلاب یکنیم ملیون نفر نوشتن و خواندن را فرا گرفتند.

اکنون ۷٤۰ هزار طفل و نوجوان افغان مصروف درس و تعلیم در مکاتب میباشند و تا پایان دهه جاری همه اطفال که سن شان به هفت سالگی رسیده باشد باید تعلیمات اجباری ابتدایی را فراگیرند برای آنکه این وظایف‌موفقانه انجام پذیرفته باشد استادان شوروی نیز در افغانستان مصروف کار میباشند، به کمك اتحاد شوروی مکاتب عصری و جدیدی در افغانستان اعمار و تجهیزمیشود اگر تلاشهای مذبوحانه‌یی محافظین با صطلاح «عنعنات» که میخواهند افغانستان را دو باره به جامعه قرون وسطایی برگردانندوجود نمیداشت دستاوردها در این زمینه بمراتب بیشتر میبود.

با تسلیح و آموزش وارسال باندهای ضد انقلاب بداخل ج.د.ا. بیشتر از هزارو هشتصد مکتب تخریب گردیده و دو هزار معلم‌شهید شده اند، خسارات عمومی ناشی ازعملیات ضدانقلابیون در زمینه تعلیم و تربیه به مبلغ (۳۳۲۲۱۰۰۰) افغانی رسیده است.

طی تمام نیم قرن قبل از انقلاب در افغانستان صرفا (۱۷۰۰) داکتر تربیت شده ند که از آنها فقط (۹۰۰) داکتر در افغانستان عملا مشغول بکار شده ند، در مدت هفت سال بعد از انقلاب از جمله امسال مجموعاً ۱۵۰ نفر از دختران و پسران مدارك داکتری دریافت کردند وسه هزار جوان دیگر افغانی در انستیتوت دولتی طب کابل‌که در سال ۱۹۸۱ افتتاح‌گردید مشغول تحصیل هستند.

حکومت ج.د.ا. اجرای‌خدمات طبی مجانی و کامل برای‌مردم این ضروری ترین مساله افغانها را که تا انقلاب از این کمك های طبی بی بهره بوده اند به تصویب رساند در این عرصه متخصصین شوروی دوش بدوش افغانها کار میکنند و کمك میکنند که یك سیستم واحد خدمات طبی ابتدایی لوژیکی حمایه صحت طفل و مادر، کمك های سریع و تنظیم خانواده بوجود بیاورند.

با صطلاح مدافعان اسلام و آزادی که مزدوران غرب‌اند شفاخانه ها، مراکز صحی و دواخانه‌ها را غارت می کنند، آنان تا کنون ۱۳۱ موسسه طبی را ویران‌کرده اند واشنگتن مانند سابق از باند های ضد انقلاب اظهار پشتیبانی میکنند. جورج بوش معاون رئیس جمهور ایالات متحده امریکا خاطر نشان کرد که کار آنها کار ماست. چیزی‌روشن تر از این ممکن نیست گفته شود.

تبصره ما

دیکتاتوری هائیتی درگیر بحران

اخباری که در روز های اخیر از هائیتی میرسد ضد و نقیض است. اهالی این جزیره که تقریباً سی سال است در زیر چنگال‌های خون آلود یکی از دیکتاتور های مزدور ایالات متحده قرار دارند. در جریان ماه های اخیر قیام نموده اند. جنبش توده ای علی الرغم روشهای سرکوبگرانه در پایتخت و شهر های مهم هائیتی همچنان علیه رژیم دوالیه خون اشام اوج می گیرد. سرانجام بتاریخ‌اول جنوری یکی از سخنگویان قصر سفید ضمن اعلام خبر سقوط دوالیه اظهار داشت که: دیکتاتور هائیتی به‌خارج از کشور گریخته است. ولی چیزی نگذشت که مجدداً اخباری رسید مبنی بر اینکه دوالیه هنوز در هائیتی است و یکی دیگر از سخنگویان اداره ریگن مدعی گشت که به نظر میرسد دیکتاتور هائیتی همچنان مصمم است که در کشور باقی مانده و قدرت را حفظ نماید.

اما صرف نظر از تعیین محل اقامت دوالیه مزدور، و اظهارات پوچ‌وی مبنی برباقی ماندن بر اریکه قدرت، آنچه مسلم است اینکه اوضاع هائیتی به نقطه بحرانی رسیده است. علی الرغم سایه سیاه حکومت نظامی بر پورت اوپرینس و سایر شهر ها، تظاهرات ضد حکومتی بدون وقفه ادامه‌دارد در مناطق فقیر نشین سرك ها سنگر بندی شده، میدان هوایی بین المللی مسدود گردیده، خطوط ارتباطات با کشور های مجاور از هم گسیخته ... و دیکتاتور خون آشام در لبه پرتگاه سقوط قرار دارد.

روی کار آوردن رژیم های دیکتاتوری و ضد مردمی و تحمیل آنها بر مردم بمنظور غارت منابع سرشار ملت‌ها، توسط امپریالیزم هیچ‌راز پوشیده ای نیست امروز خلق های تمام قاره های‌جهان با نمونه های بارز این قبیل ((رئیس جمهور های مادام العمر)) از نزدیک آشنا می باشند. و همه بخوبی می دانند که این گودی های مسخره، با دستهای «سیاه» است‌که به حرکت‌آورده میشود.

از سوی امپریالیزم‌تقلای فراوان بعمل میاید تا با تبلیغات و عوام فریبی های بسیار برای این قبیل به اصطلاح ((دولتمردان)) آبرو و اعتبار ملی ایجاد شود وحتی در سطح بین المللی بمثابه چهره های وفادار به((اصول دموکراسی جهان آزاد)) شناخته شوند. ولی بامواجه شدن آنان با امواج خروشان جنبش های توده ای که دیر یا زود ولی درهر حال‌بناگزیر طغیان میکند، کارگذاران امپریالیزم به دست و پامی افتند تا جانشین مناسبی برای ((دیکتاتور معزول)) پیدا کنند. میلیاردر هایی‌که در ایالات متحده اقامت‌دارند و با هزار رشته زمام امور اقتصادی و سیاسی کشور های وابسته را بدست دارند، در هراس از رادیکال شدن جنبش های مردمی برای مهار کردن آنها از توسل به هیچ اقدام جنایتکارانه‌ای کوتاهی نمی کنند. اینست محتوای سناریوی که این روز ها در هائیتی تکرار می شود.

به احتمال‌بسیار دیکتاتور هائیتی که تا کنون با قتل بیش از پنجاه هزار نفر از میهن پرستان هائیتی شدت قساوت و بیرحمی وعطش خون ریزی خود، حفظ قدرت را به نمایش گذارده از پذیرش ((توصیه))مشاورین امریکایی سرپیچی نموده‌و برای ((استعفا)) رضایت نداده است ولی تجربه مقاومت دیکتاتور های مزدور نشان داده است که عمر این قبیل سرپیچی ها بسیار کوتاه میباشد.

حسین

لیگ سیاه جنایتکاران

در ماه سپتامبر سال گذشته عیسوی دو کنفرانس سیاه متعاقب یکدیگر در ایالات متحده امریکا انعقاد یافت. یکی کنفرانس ((لیگ جهانی ضد کمونیستی)) که از تاریخ ۱۰ الی ۱۳سپتامبر در شهر دالاس انعقاد یافت و دیگری کنفرانس یاملاقات سالیانه مجله اجیران امریکایی بنام ((سولجر آف فورچن)) بود که از تاریخ ۲۰ الی ۲۲ سپتامبر در لاس ویگاس امریکا دایر گردید. انعقاد این دو کنفرانس از یک طرف نشاندهنده این‌امر است که اتحادیه بین المللی تمام سازمانهای انقلابی در حال بوجود آمدن می باشد و از طرف دیگر تایید می نماید که حلقه های سیاسی غیر رسمی و رسمی ایالات متحده امریکااز بوجود آمدن چنین اتحادیه های ضد انقلابی بهره برداری شایان بعمل می آورند.

مشاور اسبق چیانکای چیک رئیس افتخاری ومتوفی‌لیگ جهانی ضد کمونیستی (دبلیو.ای. سی.ال) آقای کو چنگ کانگ ازتایوان در کنفرانس دالاس ابراز داشت که ((ما باید یك مرحله جدید انتی کمونیزم را آغاز نماییم)). البته ترکیب نماینده‌گان کنفرانس نیز آغاز مرحله جدید را بشارت میداد. اشتراك کننده گان عبارت بودند از: ادولفو کالیرو که ازسال ۱۹۶۱ بدین طرف به صفت اجنت سی.آی.ای درنیکاراگوا مشغول بوده از سال ۱۹۸۳ بدین طرف ریاست ارتجاعی ترین گروپ ضد انقلاب نیکاراگوا را به عهده دارد اولدن روبرتو، رهبر سازمان ضد انقلابی(اف.ان.ال.ای) در انگولا، حبیب الله مایار، رئیس ((جامعه افغانها مقیم امریکا)) و ((نماینده رسمی مقاومت افغانی در واشنگتن)). سیکان سایف، شریك جرم پول پوت نماینده ضد انقلابیون کمپوچیا. (لی فوف سانگ. ((رهبر مقاومت ویتنام)). یو نس درسیا، نماینده ((مهاجرین ایتوپیا)) و هم چنان تعداد کثیر فراریان از کشور های پولند، اتحاد شوروی و دیگر کشور های سوسیالیستی ((لیگ جهانی ضد کمونیستی)) که در گذشته وسیله مهم جهت دامن زدن جنگ سرد به شمار می رفت، اکنون در دالاس پابه مرحله جدیدی گذاشته و پشتیبانی عام و تام خود را به ((مبارزین آزادی)) کمك نماید. اینکه این ((مبارزین آزادی)) برای چه نوع‌آزادی می جنگند از اعلامیه نهایی که به اتفاق آرا به تصویب رسیده است به وضاحت‌برمی آید.

در اعلامیه آمده است: مبارزین آزادی کشور های آزاد چون السلوادور، فلیپین، مالیزیا، افریقای جنوبی

رهبرضدانقلاب انگولادرمسافرت‌خودبه ایالات‌متحده امریکا تحفه سخاوت مندانه ای رابدست آورده است.
کارتونیست هژبر شینواری

حبیب‌الله مایاریك تن ازاشرارافغانی در کنارهمتای جنایتکار خود ادولفو کالیرو، اجنت‌سی.آی.ای از ضد انقلابیون نیکاراگوا ،در شهر دالاس‌ایالات‌متحده امریکا.

از اتحادیه های ضد انقلابی فوق در افریقا، آسیا وامریکای لاتین ابراز داشت. در اعلامیه نهایی این کنفرانس آمده است‌که لیگ جهانی ضد کمونیستی می خواهد از طریق جلب همکاری مطبوعات، ادارات پارلمانی و اکادمیك و همچنان جلب مقامات دولتی وغیره را در دفاع آنها علیه بغاوت مسکو کمك می نمایند.

نماینده ضد انقلابیون انگولا درین کنفرانس اظهار داشت که ((خطر بزرگ در جنوب افریقا انتشارکمونیزم است، نه اپارتاید)). نماینده ضد انقلابیون افغانستان حبیب الله مایار دربیانیه خویش تجارت آزاد، سرمایه گذاری آزاد، سیستم سرمایه داری آزادواسترداد زمین های استملاك شده به ملاکین بزرگ را هدف عمده ((جنبش مقاومت افغان)) قلمداد نمود.

هسته اساسی ((لیگ جهانی ضد کمونیستی)) را بخش ایالات متحده امریکا، ((شورای امریکایی برای آزادی جهان)) تشکیل‌می دهد. ریاست «لیگ جهانی ضد کمونیستی)) و شورای امریکایی آنراجنرال جان سینگ لاوب قوماندان عمومی اسبق ایالات متحده امریکا در کوریای جنوبی به عهده دارد وی اظهار داشت که به‌تاریخ یازدهم سپتامبر نماینده‌گان کنفرانس همه به پاخاستند و به مناسبت سالگرد سقوط رژیم مارکسیستی سلوادور الینده در چیلی دقیقه های متوالی کف زدند و شادمانی نمودند.

رئیس جمهور امریکا رونالد ریگن درپیام تبریکیه که عنوانی کنفرانس به دالاس ارسال نمود اظهار داشته است که ((من از زحمات شما در راه‌تحقق هدف پر افتخار تمجید بعمل می‌آورم. مساعی مشترك ما و شما سیر تاریخ رابه طرف هدف جهان آزاد سوق میدهد.))

اما،رونالد ریگن، مثل‌اینکه با سیر حوادث در تاریخ تمدن بشری بیگانه است ویا عامداً نمیخواهد، حلقات قدرت امپریالیستی را که یکی پی دیگر در جهان فرو می ریزند ودرهم می شکنند مشاهده‌کند وبه خاطر بیاورد. «دعای‌خیر» رونالدریگن برای سیر و سفر «لیگ جهانی ضدکمونیستی» وجلقه های نظیر آن دردی را دوا نخواهد کرد. انقلاب های نجات بخش و پیروزمند در ویتنام، ایتوپیا، نیکاراگوا، افغانستان ودهها کشور دیگر نشان داده که حلقه های امپریالیستی و امپریالیزم محکوم به نابودی است،وباندیت‌های آرایش‌شده جزیك راه، راه دیگری ندارند- راهیکه به گودال نیستی و نابودی منتهی میگردد.

اسلمیار

علیه رژیم مستبد پاکستان

سلسله تظاهرات، گردهمایی ها و اعتصابات در تمام نقاط پاکستان ابعاد گسترده ئی بخود کسب نموده و احزاب مخالف رژیم مستبد پاکستان دامنه تظاهرات را وسعت بخشیده اند.

اخیرا در شهر پشاور تظاهرات وسیعی از طرف حزب وهابیان به اشتراك سایر مردم پاکستان براه اندا خته شد که ساعتها سرك بین مسجد محبت‌خانه پشاور الی بازار خیبر را بروی ترافیك مسدود ساخته بودند.

تظاهر کننده گان اعمال تجاوزکارانه رژیم مستبد جنرال ضیاء را علیه قبایل آزاد افریدی و شینوار خیبر ایجنسی محکوم نموده، خواستار اخراج فوری عساکر مزدور رژیم پاکستان ازمناطق قبایل آزاد گردیدند.

باختر

انکار از ارتکاب جنایات

مفسر سیاسی آژانس تاس مینگارد که زین نورانی وزیر دولت در امور خارجه پاکستان در پارلمان‌آنکشور ادعا نموده گویا حکومت پاکستان اجازه نداده ازقلمرو آنکشور برای مداخله درامور داخلی افغانستان استفاده شود و برای مخالفین‌حکومت افغانستان اسلحه تهیه نمی نماید.

کلمات خوبی است ولی با حقیقت هیچگونه هماهنگی ندارد زیرا قلمرو پاکستان‌به دستور واشنگتن بدسترس عناصر ضد انقلاب افغانی قرار داده شده است.

بیش از یکصدو بیست مرکز تربیوی عناصر ضد انقلاب افغانی که در آن کشتار، انفجار مکاتب، شفاخانه ها و مساجد و تخریب خانه های افراد ملکی فابریکات و مزرعه هارا می آموزند در قلمروپاکستان ایجاد گردیده است.

جریان آموزش آنها از جانب مربیون امریکایی و اعضای سازمانهای مخفی پاکستان نظارت میگردد.

آنها نه تنها استفاده از اسلحه امریکایی بلکه طرق ارتکاب جنایات را در داخل افغانستان فرا میگیرند. آیا این امر یك مداخله محسوب نمیگرددسیل اسلحه از جانب ایالات متحده امریکا و کشور های دیگر غربی به سوی پاکستان روان است بندر عمده پاکستان یعنی کراچی به نقطه انتقال عمده اسلحه به طرف سرحدات افغانستان جائیکه مراکز آموزش باندیتهای افغانی موقعیت دارد تبدیل شده است.

تنها در سال جاری واشنگتن چارصدو هفتاد ملیون دالر رابرای تهیه‌اسلحه برای‌عناصر ضد انقلاب افغانی تخصیص داده است.

پایگاه های هوایی‌پاکستان درشهرهای لاهور، راولپندی وپشاور وسیعاً مورد استفاده انتقالات عاجل هوایی اسلحه به باندیتهای مذکور قرار گرفته است.

مشکل است باور کرد که وزیر دولت در امور خارجه پاکستان این شواهد ومثال های دیگر را مداخله مستقیم یا غیر مستقیم پاکستان در امور داخلی جمهوری دموکراتیك افغانستان نداند. مقامات اسلام آباد برای عملی ساختن خواسته های واشنگتن کشور ما را به یك پایگاه تجاوزات علیه جمهوری دموکراتیك افغانستان مبدل ساخته اند.

به تحریك اشکاراواشنگتن است که اسلام آباد در حال حاضر عملیات وسیع انتقام جویانه را علیه پشتونهائیکه عبور باندیتهای افغانی را از سرزمین شان اجازه نمیدهند پیش میبرد.

مردمان صلحدوست گفتار نه بلکه یك برخوردواقعبینانه و اقدامات سازنده را از جانب پاکستان در راه عادی شدن اوضاع اطراف افغانستان انتظار دارند.

باختر

خواب راحت
طنز

ساعت، یک و نیم شب بود و به جز از دلبر خان مدیر عمومی تهیه، همه به خواب آرام فرو رفته بودند.

او که از آمدن تفتیش یک روز قبل، غیر مستقیم اطلاع حاصل کرده بود، به بستر قرار نمی گرفت و برای یک لحظه هم چشم نمی بست. دلبر خان باخود فکر میکرد:

«تفتیش میاید! عجیب مردمی هستند! چی‌ره تفتیش و بررسی میکنند؟ صد کار خوب دگه ره ماندهمفتش شندند! آیا مدیریت عمومی تهیه کار خوب نیس؟»

فردای آن، دلبر خان قبل از آمدن تفتیش، یک نوت هزار افغانیگی بدست پیادهٔ خود داد تا دو خوراک (دبل) کباب بره گک، دو بوتل فانتا، دو بوتل کوکا-کولا ومقداری هم نان و ترکاری برای چاشت از بازار بیاورد.

دوازده و سی و هفت دقیقه بود که تفتیش وارد دفتر دلبر خان شد. بعد از چند دقیقه، تقریباً همه چیز بالای میز آماده بود. دلبرخان از مفتش دعوت کرد تا شروع به غذا خوردن کند.

مفتش باخونسردی گفت که نان چاشت راخورده است وبه



ماما خبر دار انتقادمیکند.

نوشیدنی ها هم عادت ندارد.

با گذشت پانزده، بیست دقیقه همه دفاتر اطلاع یافتند که مفتش به نان مدیر صاحب تهیه، حتی دست هم نزد.

الی ختم بررسی کار های مدیریت عمومی تهیه، خون در وجود دلبر خان خشک شده بود.

دلبر خان هر لحظه با خود میگفت: «کاش یک قانون میساختند که در آن اصلا تفتیش و بررسی وجود نمی داشت. اینه میگویند که گوگول بالای نمایشنامه «مفتش» چند سال کار کد. در نمایشنامه همه چیز ها ره نوشته، ولی یادش رفته نوشته کند که آدم چطور باید خوده از چنگ مفتش خلاص کند. مه ای کاره خات کدم».

ساعت دوازدهٔ شب که همه به خواب آرام فرو رفته بودند، دلبر خان بیدار بود. قلم را گرفت و روی کاغذ شروع به نوشتن کرد.

فردای آن، کاغذ را به دفتری که مفتش در آن کار میکرد فرستاد.

آمر، مفتش را بدفتر احضار کرد و گفت:

«مردم از شما شکایت دارند. میگویند روز تانرا در ادارات و دفاتر گم میکنین و از پول مامورین، نان چاشت، حتی فانتا وبعضی چیز های دیگر میخورین. برایتان اخطار میدهم که بار دیگر این عمل تکرار نشود».

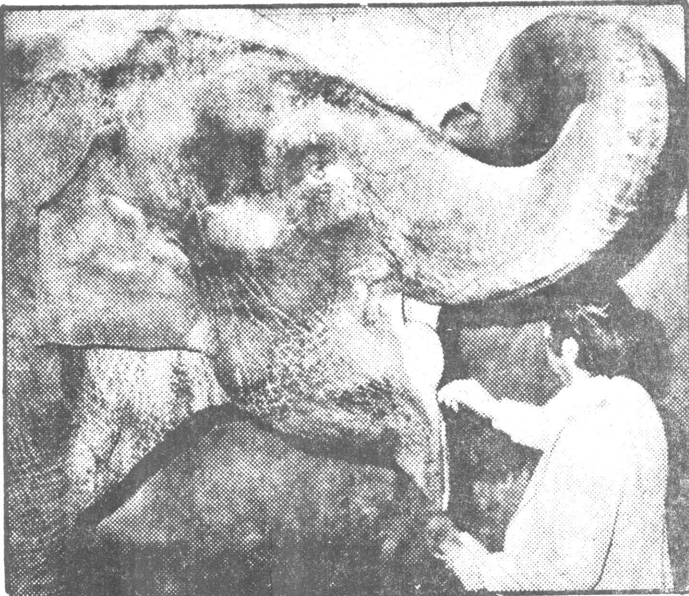
مفتش بیچاره آنقدر متعجب شده بود که نتوانست کوچکترین جوابی بدهد؛ شام همان روز دلبرخان را خواب آرام برد. معلوم شد که برای مفتشین صادق نیز فکری نموده بود.

هارون یوسفی

دق الباب



ماما خبردار صاحب صفحه تقدیم میکند.



مشال

چی می خیال دیار تر نوکو په لیمو ځی
باغ د حسن یی په سردانګو ځی
دایا غی نظر به څوك‌دنظرښکیل کړی
چی تا لان ته می دز ړه‌لکه‌دغلو ځی
لړیی ورو ، ورو وروه‌چی‌کاره نه‌شی
ستا بانه می د هډ و کوپه سرو ځی
زه به شپو کی څه پلتم‌دوصل ستوری
چی شین خال دی په‌تیاروکی د کمځو ځی
زه دی جار شم له لوزو نوځنه وه یی
ستا په درو غو زما ژوندپه اوږ دیدو ځی
ستا دغم ډیو ه زما دزړه‌مشال شوه
بله ځړ یکه یی په دښتودکګو ځی
داپه ما نن کوم ر قیب‌تومت تړلی
چی ننګیا ل دیار له غمه‌په سلګو ځی

کابل
۲-۱۱-۱۳۶۴
اسحق ننګیال

نکته ها

تعصب در علم و فلسفه مانند هر تعصب دیگر نشانه خامی و بی مایه گی است و همیشه بزیان حقیقت تمام می شود و در شان خردمندان نیست.

ابن سینا

■ زنده گی اشخاص چاپلوس بسته به وجود کسانی است که خریداری چاپلوسیهای آنانند.

لافنتون

■ کسی که نتواند بر ترس غلبه کند هنوز اولین درس زنده گی را نیاموخته است.

امرسن

■ اگر نمیتوانید قهرمان باشید لااقل مرد باشید.

گویته

■ آغاز بدبه فرجام بدمی انجامد.

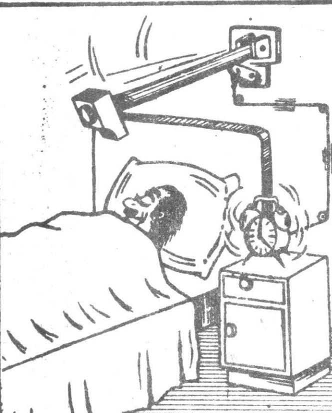
اوریپید



از البوم ماما خبر دار.

● وقتی فیل سیب بخورد شتر باید کلچه نوش جان کند.

از خورجین ماماخبردار



برای کسانیکه صبح تا ساعت ۸ر۳۰ هنوز شکر خواب میزنند.

کارتون نیست همایون



آیا میدانید که بردن نمک به نمکسار وزیره به کرمان یعنی چی؟ (زیره به کرمان بردن، یعنی بردن خرما به بصره، گوگرد به پاریس، ...مرچ به هندوستان، عقیق به یمن، لعل به بدخشان، ... گل به بوستان، زر به معدن، گوهر به کان، در به دریا، آبگینه به حلب، ... ذره به خورشید ... چراغ پیش آفتاب، جوی پیش دریا، ... حکمت به یونان ... توتیا به هندوستان ... است.)



جدول کلمات متقاطع

افقی:

۱-... حقیقت انقلاب ثور.
۲-ده برابر شده - جمع من
۳-مخفف این هستم - پرنده شکاری.
۴-واحد پول جاپان - مشهور.
۵-در نانوایی میباشد.
۶-اگر پسوند گر را با ادب بیاریم.
۷-یکنفر - موی رویده برصورت.
۸-حرف ربط - تخم به پشتو.

عمودی:

۱-آزادی - سر سلسلهٔ اعداد
۲-سنگین - تنها
۳-خزان بی سر
۴-ملایمت - واحد پول هندی
۵-حرف تاسف - یک کشور دوست
۶-مساوات.
۷-همسانی و همرنگی.
۸-باحرص میاید - مترادف حسد.

	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	■							
۲			■					
۳				■				
۴						■		
۵					■		■	
۶						■		■
۷				■				
۸		■				■		

حل معمای هفتهٔ گذشته شطرنج

گفته بودیم که مهره های سفید پس از سه حرکت بر حریف غلبه حاصل میکند.

حرکت اول: اسپ سپید Kte6، رخ سیاه b 8

حرکت دوم: اسپ سپید Ktg5 پیاده سیاه d3

حرکت سوم: رخ سپید RC5 کیش، شاه Kd4

حرکت چهارم: وزیرسپید، QF3 کیش ومات

قسمت چهارم

جنگ اعلام ناشده

نوشته - کیم صالحوف

برای هر چهار ما وظائف گوناگون محول شد. سلطان به حیث مدیر مرکز برق، محمد به حیث مربی شورای مرکزی اتحادیه های صنفی مقرر شدند. من واحمددرخارندوی شروع به کار کردیم.

در حالی که میخواستم با شتاب زیاد به شفا خانه بروم، احمد تبسمی کرد و گفت:

-کار بسیار خوب است. از مبلغه زخمی باید عیادت شود.

عین جمله را تکرار کردم، بدون درنگ شاگرس بسوی در اتاق دویدم. اما باز هم صدای احمد بلند شد:

-ایستاده باش! بدون گلها کسی به عیادت دختر بیمار نمیرود. با شک و تردید گفتم.

-رفتن من باگل نزد او تاچی حدمناسب است. نمیدانم شاید مردم فکری بکنند. و احمد در میان حرفهایم میدود:

-رفتن تو باگل بسیار مناسب است.

اینرا گفته و به سرعت خودش رابه موتر جیپ رساند وبه زودی از نظر نا پدید شد، وپس از چند دقیقه بایك دسته گل سپید بر گشت.

وقتی جمیله گلها را دید، از فرط شادی دانه های اشک از دو چشمش سرازیر شدند، وبلافاصله گفت:

-چطور هستید، صالح! گفتم:

-خوب، با دشمنان انقلاب مبارزه میکنم، گزمه میکنم و دزد ها و دشمنای خودرا دستگیر میکنم.

-کامیاب باشید. امامن در بستر بیماری هم می جنگم. و یکی از روز های دیگر که به عیادتش میرفتم احمد گفت:

-جمیله از شفا خانه فرار کرده است ... اکنون در یکی ازولایات بسر میبرد، و از طرف حزب برای نابودی بیسوادی در میان زنان کار میکند.

* * *

همین که دروازه خانه راباز کردم، بزودی احساس کردم که در خانه جشنی بر پاشده است. در حویلی، دود وبخار دیگ های پلو و قورمه بلند بود. بوی تحریك کننده تمام حویلی را در بر گرفته بود کاکافتح با دیدن من بانگ زد.

-شکر خدا! خوب وقت آمدی. خدا به من رحم کرد که مهمان دیگر را امروز بخانه‌ام فرستاد. دراتاق کاکا فتح یك تفنگ سیاه و زنگ زده که از زمان جنگ با دشمنان انگلیسی باقیمانده بود، ویك رباب کهنه بدون تار آویزان بود. کاکا فتح در جوانی بابسیار شور و شوق رباب مینواخت.

روی دوشك های که دراتاق هموار گردیده بود، مهمانان چهار زانو نشسته بودند، پیاله های چای را پیهم سرمی کشیدند. کاکا فتح در حالیکه به من خیره خیره مینگریست گفت:

-حالا بگو که انقلاب تو برای ما مردم غریب چه میته. قوانین جدید چطور اند. مردم خونظر مختلف دارند. برخی ها تعریف میکنند وبرخی ها دشنام میدهند.

من بزرگانی را که بدور دسترخوان نشسته بودند، یك یك برانداز کردم وپس از گرفتن اجازه، در موردحقانیت انقلاب ملی ودموکراتیك ثور و ضرورت تاریخی آن بازبان عامیانه وساده صحبت نمودم. وقتی جمله من به پایان میرسید، مولوی رجب باتکان دادن سر، گپهایم را تایید میکرد. من در مورد سقوط رژیم داود که چون درخت بی ریشه پوسیده شده بود نیز صحبت کردم، وتصریح نمودم که یگانه هدف حزب ودولت انقلابی اعمار یك جامعه نوین و عادلانه است.

* * *

همین که خبر یافتم به ولایتی که جمیله در آنجا هست، میروم از فرط شادی بیخود شده بودم دلم میخواست دریك چشم بهم زدن بسوی جمیله پروازنمایم احمد وقتی دست پاچه گی وذوق مرادید بالحن سر زنش آمیز چیز هایی گفت. و من اینگونه جواب دادم.

-احمد ببخشید، جمیله را بیاد آوردم. در بارهٔ وظیفه ناراحت نباشید، در مورد اجرای دستوری که بمن‌دادید اطمینان داشته باشید. احمد اضافه نمود:

-ما شیندار، دوبم و به تعداد کافی مرمی را با خودت بگیری. شما در اختیار نماینده با صلاحیت کمیتهٔ مرکزی ح.د.خ.ا. و رفیق مختار قرار دارید و در مورد امنیت او جوابده هستید.

وقتی هلیکوپتر ما پرواز کرد. صادقانه اعتراف میکنم که به‌حال‌نبودم. این نخستین باربود که در عمرم از زمین اینقدر بلند میشدم ودرمیان ابر ها پرواز میکردم. دلم میخواست از پنجرهٔ هلیکوپتر سرم رابه بیرون بکشم.

مختار بادیدن شك وتردید من، گفت:

-ما در بین مردم میرویم. باید دایم باتوده ها بود.

من با مختار موافق هستم. اماچرا باید با تفنگچه که دسته آن از زیر پیراهنش نمودار است، بسوی توده ها رفت؟ به من هم دستورداده شده بود طوری خودرا مسلح سازم که در جنگ مقابل دشمن میروم، نه اینکه‌برای صحبت ومذاکره‌نزد دهقانان. اماپس از لحظه یی با خود گفتم: «برای او واضح تر معلوم است، زیرا اوکارمند مسوول کمیته مرکزی حزب ماست».

وپس از نیم ساعت به مقصود رسیدیم، هلیکوپتر مانند پرنده زیرك وهوشیاربر فراز دهکده دور زد، وبه آهستگی روی زمین نشست.

کودکان برهنه پا، از هر سو با لباسهای ژنده و پاره بسوی ما دویدند، انگار به انتظار ما نشسته بودند و جمیله در حالیکه تبسم ملیحی برلب داشت برای دیدن ما آمد.

باقیدارد

تحت نظر هیأت تحریر
مدیرمسوول: صدیق کاوون